



# عصر

روزنامه تجاری اقتصادی

شنبه ۲۲ دی ۱۴۰۳ • ۱۰ رجب ۱۴۴۶ • 11 January 2025  
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصدوشش  
www.asrghanoon.ir

# عملیات درخواستی

## سرلشکر سلامی: مردم از ما درخواست وعده صادق ۳ می‌کنند

سرلشکر سلامی: مردم از ما درخواست وعده صادق ۳ می‌کنند؛ چرا؟ به این دلیل که مردم مواجهه‌های سخت را به زیبایی به‌عنوان یک فضای جنگی حس می‌کنند. مردم ما علاقه دارند که ما همواره در همه عرصه‌ها با اقتدار عمل کنیم. مردم به اعتبار قدرت خیلی احترام می‌گذارند. اجازه نمی‌دهیم اشتباهی مردم ما برای اقتدار طلبی و عزت طلبی کور شود؛ ما حتی یک تیر از سوریه و لبنان به سمت رژیم صهیونیستی شلیک نکردیم، رسمی، واضح و آشکارا با موشک‌های خودمان و از سرزمین خودمان پاسخ آنها را دادیم. ما یک کشور دیگر را میدان نبرد خودمان قرار نمی‌دهیم، ما آنقدر بزرگ هستیم که می‌توانیم از سرزمین خودمان پاسخ دشمن را بدهیم؛ ما از سوریه بهره نظامی نمی‌بریم که با سقوط آن نگران بازدارندگی خودمان باشیم، دشمنان می‌خواهند بگویند ایران ضعیف شده؛ آیا امروز در بستن تنگه‌ها قوی‌تریم یا سال‌های قبل؟



### جنگ بزرگ یا صلح بزرگ؟



پیروزی و موفقیتی که تنها یک راه حل دارد و آن قیام جوانان برای ساختن آینده است. باید فکر نو، انرژی نو و جمعیتی از جوانان برای تغییر وضعیت این منطقه از جغرافیای جهان دست به کار شوند.

۲

### آمریکای رؤیایی و دست پنهان طبیعت



آمریکا از درون، دچار فروپاشی خواهد شد و این در زمانی است که چشم‌های ما به روی ضعف و سستی و ناتوانی و عجز آمریکا گشوده شده است و هراس و خوف از او، از دل‌ها برچیده شده است.

۳

### ترافیک دیپلماتیک در سوریه جدید



موضع اروپا نسبت به سوریه جدید، تفاوت چندانی با ایالات متحده آمریکا ندارد. واشنگتن نیز شروطی را برای حمایت از احمد الشرع وضع نموده که البته از شروط اروپا سختگیرانه‌تر است.

۴

### چرا یمن متوقف نمی‌شود؟



امروز جهان اسلام بیمار سیاستی است که پس از جنگ دوم در پیش گرفته شد. افسانه‌ای که به نام توسعه برای ملت‌های مسلمان تصویرسازی شده، القبا‌ی اداره را هم از دسترس دولت‌ها خارج کرده است.

۵

### رهاورد سفر به چین



در چین اعمال حاکمیت بسیار جدی گرفته می‌شود. اگر کارگزاری در اعمال حاکمیت و دستورات مرکزی کوتاهی کند بدون هیچ حاشیه امنی با او برخورد می‌شود، به گونه‌ای که برای دیگران درس عبرت شود.

۷

### اینترنیه او اعتماد کند



طارمی کسی است که برای ارائه بهترین عملکردش نیاز دارد حس کند در مرکز پروژه قرار دارد. به نوعی این احساس مهم بودن در تیم را داشته باشد. او یکی از ستاره‌های ماست.

۸





## آمریکابه سمت فروپاشی حرکت می کند

سیاست شکست خورده آمریکا علیه ایران در زمان ترامپ تکرار خواهد شد

در چهار سال گذشته که آقای ترامپ رئیس جمهور آمریکا بود متوجه شد که سیاست مشت آهنین راه به جایی نمی برد و ترور حاج قاسم سلیمانی بزرگترین اشتباهش بود و شمشیر آن شهید بزرگوار در جان عاملان آن ترور باقی خواهد ماند. در ابتدای ریاست جمهوری ترامپ که آغاز شده باید یک انتقال قدرتی در آمریکا صورت بگیرد و بعد از انتقال قدرت آمریکا تلاش میکند دست و پای خودش را در سیاست بین المللی و مناقشات منطقه ای جمع و جور کند و بلافاصله سعی می کند نیروهای خود را آزاد کند تا بتواند برای مقابله با رقیب سرسخت اقتصادی خود یعنی چین آمادگی پیدا کند. ترامپ روش های تحریمی را همچنان در این دوره نیز ادامه خواهد داد. سیاست های آقای ترامپ چندان قابل پیش بینی نیست اما سیاست هایش در خصوص رژیم صهیونیستی مانند گذشته خواهد بود. بنده نامه ای در خصوص حاج قاسم سلیمانی به آقای ترامپ فرستادم و این نامه در سایت های مختلف به چند زبان زنده دنیا ترجمه شده است و در این نامه توصیه ام به آقای ترامپ این بوده که سیاست های خود را از لابی صهیونیستی در منطقه جدا کند.

آمریکا بدنبال امنیت رژیم صهیونیستی است و تمام روسای جمهور آمریکا از جمله ترامپ قسم می خورند که امنیت اسرائیل، امنیت آمریکا است به همین دلیل برای اسرائیل همه کار انجام داده و در آینده نیز هر کاری لازم باشد انجام خواهد داد فقط شیوه های این حمایت متفاوت خواهد بود. سالها پیش تحلیلگران گفتند که تا سال ۲۰۲۴ اقتصاد آمریکا فرو خواهد پاشید و امروز علائم این فروپاشی وجود دارد و ترامپ راهی بجز توجه به درون کشور خود ندارد. در داخل آمریکا سیاست های نژاد پرستی زیادی وجود دارد و این سیاست ها ممکن است منجر به جنگ داخلی شود.

## استفغای ترودو، زمینه ساز انضمام به آمریکا؟



دونالد ترامپ، روز دوشنبه خواستار پیوستن کانادا به ایالات متحده شد، این درخواست اندکی پس از اعلام استغفای جاستین ترودو، نخست وزیر کانادا، مطرح شد. ترامپ نوشت: «بسیاری از مردم در کانادا دوست دارند که ایالت پنجاه و یکم باشند».

او افزود: «ایالات متحده دیگر نمی تواند کسری تجاری عظیم و یارانه هایی که کانادا برای سر پا ماندن به آن نیاز دارد، تحمل کند. جاستین ترودو از این موضوع آگاه بود و به همین دلیل استعفا داد».

او گفت: «اگر کانادا با ایالات متحده ادغام شود، دیگر تعرفه های گمرکی وجود نخواهد داشت، مالیات ها به طور چشمگیری کاهش خواهند یافت، و کانادا کاملاً از تهدید کشتی های روسی و چینی که دائماً آن را محاصره می کنند، در امان خواهد بود. با هم، چه ملت بزرگی خواهیم بود».

جاستین ترودو، نخست وزیر کانادا، دوشنبه اعلام کرد که از ریاست دولت و حزب حاکم استعفا می دهد.

ترودو به علت افزایش تورم و بحران مسکن و کاهش خدمات عمومی محبوبیت خود را از دست داده است.

محسن دینوی

یادداشتی به بهانه سقوط سوریه و انتظار تغییر در ایران

طلا و دلار رو نگه داریم یا بفروشیم؟ اوضاع ملک و خودرو چطور میشه؟ چون ملک و خودرو همای دلار رشد نکردن، انفجاری بالا می رن یا با توافق سقوط سنگین می کنن؟ اگه حباب سکه منفجر بشه، تا کجا ریزش می کنه؟ بورس چی میشه؟ باز رکورد می زنه؟

اینها سوالات بخشی از جامعه درباره آینده است و پاسخ این سوالات به جنگ بزرگ یا صلح بزرگ وابسته است! حالا سوالات بخشی دیگر از جامعه امروز ایران را درباره گذشته نزدیک و آینده نزدیک مرور کنیم؛

طوفان الاقصی واقعا تله بود یا فتح الفتوح؟

وضعیت چند ماه بعد عراق و یمن و ایران چطور میشه؟ واقعا اون حمله اساسی به تاسیسات رو که درباره حرف می زنن رو انجام میدن؟ عراق تو فشار می ره زیر بلیط آمریکا و اسرائیل و عربستان؟ بعد از آتش بس، حزب الله رو خلع سلاح می کنن و حماس رو محو می کنن؟ پاسخ این سوالات هم وابسته به دوگانه جنگ بزرگ یا صلح بزرگ است؟

دوگانه ای که عده ای در حال طراحی و خلق آن هستند و قصد دارند با تمرکز و تاکید روی این دوگانه، جامعه ایران و مسئولان و نخبگان ایرانی را در موقعیت انتخاب بین این دو مسیر قرار دهند.

دو مسیر که هر کدام اتفاق بیفتد برای آمریکا و اسرائیل و یاران آنها نتیجه یکسان است و قرار است آنها در هر صورت، برنده باشند.

اگر صلح بزرگ با آمدن ترامپ رخ دهد، او ناجی جهان خواهد شد و خاورمیانه جدید را پس از یکسال خونریزی نتانیاهو شکل خواهد داد و ایران توافق کرده با ترامپ، دیگر اعتباری برای سخن گفتن از مقاومت و مبارزه با استکبار جهانی ندارد و طرح ابراهیم رژیم صهیونیستی که نیمه تمام مانده بود، به سرانجام می رسد و به جای محور مقاومت، محور سازشی از ترکیه تا عربستان و امارات و اردن و کویت و عمان و حتی سوریه و عراق برای زایش خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت! حالا فرض کنید که گزینه دوم یعنی جنگ بزرگ رخ دهد، چه خواهد شد؟

عراق همراه شده و یمن زخمی خواهد شد تا ایران تنها مانده با حمله چندجانبه نظامی و تحرکات گروه های معاند مسلح داخلی ایران و آشوب های شهری در نهایت سقوط کند!

اینجا روایت هایی از آینده نزدیک ایران است که هر روزه به زبان های مختلف در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی با تکرار بسیار بیان می شود تا ذهن ها همسو و آماده شوند!

دشمنان ایران با تکرار این دوگانه جنگ بزرگ و صلح بزرگ در حال خلع سلاح روانی جامعه و حاکمیت هستند که از ترس یکی و شوق دیگری تصمیم بزرگی بگیرند.

دشمنان قسم خورده ایران دوست دارند که اگر شد بدون خونریزی این کارزار نابرابر را تمام کنند و اگر لازم به جنگ بود، ذهنیت های داخلی و افکار عمومی جهان را برای چنین حمله ای فراهم کنند!

اما مسئله اینجاست که آیا این دوگانه اساساً واقعیت دارد و یا استراتژیست ها در کنار رسانه ها به کمک مسئولان سیاسی و نظامی آمریکا و اسرائیل و یاران آنها آمده اند و در حال بر ساخت واقع نمایی این وضعیت بحرانی برای ایران هستند؟

قدرت مفهوم را اینجا می شود درک کرد. توانی که در روایت و گفتمان و خلق تصویر از آینده نهفته است، مهم تر از توان نظامی و ادوات جنگی است.

دشمنان ملت ایران امیدوارند که این دوگانه تقلبی به قلب ایرانیان نفوذ کند و از آنجا به فکر عمومی تبدیل شده و رفتار مردم را بسازد و مردم ایران و منطقه منتظر یکی از آن دو آینده ای باشند که بالاتر بیان شد.

برآورد احتمالی دشمنان این است که ایرانیان در چنین شرایطی به طور طبیعی منفعل خواهند شد تا ایران به

## جنگ بزرگ یا صلح بزرگ؟



سرنوشت طراحی شده توسط آنها گرفتار شود! در مقابل به نظر می رسد که روایت رهبری از وضع موجود بسیار متفاوت از این دوگانه دروغین است! ایشان از استعاره جنگ احد برای توضیح وضعیت جبهه مقاومت استفاده می کنند.

احد، نبردی است که پس از پیروزی در جنگ بدر برای مسلمانان اتفاق افتاد و شکست سختی برای جبهه حق در این جنگ رقم خورد. در این نبرد حمزه عموی پیامبر (ص) و از ارکان نهضت شهید شد و دیگر رکن جبهه مقاومت و یار پیامبر (ص) یعنی امیرالمومنین (ع) هم به شدت مجروح شد و حتی جنگ به نقطه ای رسید که نزدیک بود پیامبر اسلام (ص) هم شهید شده و همه چیز تمام شود!!

سپاه اسلام به شدت به لحاظ روحی آسیب دید و انگیزه ها برای ادامه مسیر از بین رفت.

اما با فاصله کوتاهی شاهد جنگ خندق و یا همان جنگ احزاب هستیم که کفار سرمست از پیروزی در جنگ احد، همه نیروهای همسو با خود را جمع کرده و آمده بودند تا کار مسلمانان را یکسره کنند اما به نحو عجیبی شکست خوردند و در ادامه مسیر، صلح حدیبیه پیش آمد و بعد هم فتح مکه! تاکید بر استعاره جنگ احد برای توضیح وضعیت امروز ما، نحوی روایت شکست در مسیر پیروزی است و نوید پیروزی های بزرگ برای مقاومت را در دل خود دارد!

به عبارت دیگر، هم فرار از قبول شکست اشتباه راهبردی است و هم ندیدن آن، بلکه توضیح شکست در این روزها مهم است. جنگ احد و تجربه شکست جبهه مقاومت در برابر دشمنان و شهادت حمزه سیدالشهدا بی شباهت به وضع امروز و فقدان سیدالشهدای مقاومت یعنی سید حسن نصرالله نیست و امکان هایی برای فهم امروز و آینده به ما می دهد!

پس با این توضیحات به نظر می رسد رهبر معظم انقلاب در برابر دوگانه جنگ بزرگ و یا صلح بزرگ که دشمن تلاش دارد در برابر ایرانیان قرار دهد و آنها را از ترس به تسلیمی بزرگ مجبور و راضی کند، روایت دیگری از آنچه رخ داده است ارائه می کنند. روایتی که اولاً شرایط را به سبکی که رسانه ها و عوامل تبلیغی دشمن دوست دارند، بحرانی و نزدیک به لحظات پایانی نشان نمی دهد.

ثانیاً شکست را پذیرفته و آن را در دل یک مسیر می بیند که با مقاومت می تواند ورق را برگرداند و پیروزی بزرگ برای مسلمانان و ایرانیان رقم بخورد!

پس نگاه ایشان این است که نه جنگ بزرگ و نه صلح بزرگ، بلکه مقاومت برای رسیدن به لحظه نامیدی دشمن از امکان نابودی جبهه حق و رسیدن به پیروزی بزرگ ...

پیروزی و موفقیتی که تنها یک راه حل دارد و آن قیام جوانان برای ساختن آینده است. باید فکر نو، انرژی نو و جمعیتی از جوانان از افغانستان و پاکستان تا ایران و عراق و سوریه و لبنان و یمن و ... برای تغییر وضعیت این منطقه از جغرافیای جهان دست به کار شوند و با تلاش و مجاهدت و تکیه بر تاریخ و فرهنگ ریشه دار خود وضعیت جدیدی متفاوت از طراحی آمریکا، اسرائیل و یاران آنها برای غرب آسیا رقم بزنند!

## یک رزمایش و چند پیام

رزمایش اقتدار پیامبر اعظم ۱۹، چند روزی است که آغاز شده و به دلیل گستردگی نیروهای شرکت کننده و تنوع تسلیحات به کار گرفته شده، یکی از بی سابقه ترین رزمایش های نظامی ایران شناخته می شود. در عین حال، پیچیدگی تحولات رخ داده در طول یک سال اخیر در منطقه و همچنین وضعیت بسیار حساس سرنوشت ساز به وجود آمده موجب می شود که رزمایش پیامبر اعظم ۱۹ بیش از یک رزمایش معمولی پیامها و نکاتی داشته باشد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. نمایش توانمندی ها و بازدارندگی استراتژیک: این رزمایش با هدف نشان دادن توانایی ها و ابتکارات نیروهای مسلح ایران به دشمنان برگزار می شود. پیام روشن این رزمایش، این است که دشمن توان انجام هیچ اقدامی علیه منافع ملت ایران و سرزمین ما را ندارد. به بیان دیگر، در شرایطی که تنش ها در منطقه افزایش یافته، این نمایش قدرت نقش مهمی در ایجاد بازدارندگی و امنیت کشور ایفا می کند. این موضوع زمانی بیشتر اهمیت خود را نشان می دهد که بدانیم در هفته های اخیر شاهد آن هستیم که در بستر جنگ ترکیبی و شناختی، رسانه های غربی با پشتیبانی ۲۴ ساعته رسانه های ضد ایرانی فارسی زبان، در حال طرح ادعاهایی واهی درباره تصمیم احتمالی ترامپ علیه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران هستند. آنها با این فضا سازی تلاش دارند فشار بر ایران را افزایش داده و مسیر تحمیل خواسته های خود بر ملت ایران را هموار کنند! در چنین شرایطی به تصویر کشیدن آمادگی کامل جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه با هر گونه تهدید و در هر سطحی باطل السحر این بازی پیچیده رسانه ای است.

۲. تمرین سناریوهای گوناگون نظامی: رزمایش اقتدار پیامبر اعظم ۱۹ شامل پدافند هوایی، عملیات های آفندی و پدافندی در زمین، شلیک موشک ها و پهپادهای گوناگون است. این اقدامات نه تنها نشان دهنده اقتدار نظامی ایران است، بلکه به نیروهای مسلح کشور فرصتی برای آزمایش و ارتقای آمادگی خود در مواجهه با تهدیدات واقعی و شناسایی نقاط ضعف و قوت می دهد.

۳. لزوم تغییر دستگاه محاسباتی دشمنان: با توجه به سلسله اتفاقاتی که بعد از عملیات طوفان الاقصی در منطقه رخ داده است و ضربات پینگ پنگی که میان جبهه مقاومت و جبهه صهیونی رد و بدل شده است، به نظر می رسد دشمنان دچار یک خطای استراتژیک در فهم و درک نظام محاسباتی خویش شده اند. در چنین شرایطی برگزاری چنین رزمایش هایی می تواند به بازتعریف و واقعی شدن دستگاه محاسباتی دشمنان منجر شده و فهم درستی از میزان قدرت و اراده و عزم ایرانیان در پیگیری اهداف خود و مقابله با ماجراجویی ها و اقدامات ظالمانه ایشان ارائه کند.

## زیست مقاومت؛ الگویی پایدار برای عبور از چالش های امروز ایران

سعید سپاهی

اجرا تعریف کرد؛ الگویی که نه تنها سختی های اقتصادی را قابل تحمل سازد، بلکه افقی روشن از آینده ای مبتنی بر پیشرفت، عدالت و عزت ملی ارائه دهد.

اصول زیست مقاومت باید با تاکید بر ارزش های اسلامی و هویت شیعی، به ابزارهای عملیاتی در زندگی روزمره ترجمه شود. این اصول شامل مصرف هوشمندانه، تولید داخلی، تقویت سرمایه های اجتماعی، و گسترش معنویت در جامعه است. در این مسیر، نهاد خانواده و سرمایه انسانی جوان نقش کلیدی دارند. خانواده، پایگاه اصلی تقویت هویت و انتقال ارزش ها، و جوانان، پیشگامان ایجاد تغییرات سازنده اند.

زیست مقاومتی نه تنها راهبردی برای تحمل مشکلات، بلکه

در شرایط امروز ایران، با تقاطع بحران های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، مفهوم زیست مقاومت می تواند به عنوان راهبردی مردمی و کارآمد در حل مسائل و ایجاد امید مطرح شود. زیست مقاومتی، برخلاف مقاومت منفعل، سبکی از زندگی است که بر پایه خودکفایی، تقویت هویت ملی و دینی، و تولید قدرت اجتماعی شکل می گیرد و زمینه ساز پایداری و رشد جامعه است. امروز با نسلی رو به رو هستیم که، اگرچه با نسل های گذشته تفاوت های عمیقی در شیوه نگاه به زندگی و ابزارهای ارتباطی دارد، اما همچنان از دغدغه های مشترک برخوردار است: عدالت، امنیت، پیشرفت و آزادی. از این رو، برای ایجاد پیوند میان نسل ها، باید زیست مقاومت را به عنوان الگویی جذاب و قابل



## آمریکای رؤیایی و دست پنهان طبیعت



### اینجا تکه ای از دارمکافات است

طیبه فرید

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم  
بسم الله الرحمن الرحیم

این عکس‌های شعله‌ور جهنمی، مناطق مسکونی ایالات متحده نیست! اینجا آن نقطه از زمین است که قانون سوم نیوتون به شکل گسترده‌ای محقق شده. اینجا مصداق بارزی از کارمای روانشناس‌هاست. اینجا تکه‌ای از دارمکافات است. فقط تکه کوچکی از روزهای بعد از ایمان راسخ انسان‌های موحدی که مسخره می‌شدند چون معتقد بودند دستی هست بالاتر از همه دست‌ها. اگر رسانه‌های شیطان بزرگ راست گفته باشند یک برابر و نیم خسارات مالی جگرگوشه‌مان غزه را ظرف چند ساعت در همین تصاویر و فیلم‌ها متحمل شدند. حالا، درست همین حالا، موقع ترجمه پوچ فیلم‌های مفهومی هالیوودی رسیده، هژمونی پوشالی ایالات متحده را خوب در این عکس‌ها ببینید. حالا باید موجودات فرا زمینی به کمکشان بیایند ...

زندگی ساکنین شکم سیر این ویلاها و آن سیاست مدارهای پول پرست دنیا طلب تمامیت خواه را مقایسه کنید با آدم‌های گرسنه پاپتی که در فلسطین با گلوله‌ها و موشک‌های «Made in USA» در مقابل سربازهای از حیوان پست‌تر صهیونیست ایستادند و شهید شدند. به اسمائیل، به یحیی به همه شهدای راه قدس ... براستی که در این شعله‌ها نشانه‌های نیست برای صاحبان خرد ...  
صدق الله العلی العظیم.



در برابر طبیعت برافروخته و غضبناک. آنچه در این چند روز، دود شد و به هوا رفت، فقط خانه‌های مرفه و آنچنانی نبود، بلکه عظمت و اقتدار ظاهری آمریکا، به تاراج حادثه رفت. پس از سه روز، این چنین ناکام در مهار آتش طبیعی و اسیر انفعال و هراس و گریختن و تشویش شدن، پرده‌افکن و رسواگر بود. مدعیات رسانه‌های و سینمایی و سیاسی، همگی رنگ باختند و طبیعت نشان داد که آمریکا، آن نیست که می‌نمایند. چهره‌سازی‌ها و گریه‌ها و بزک‌کردن‌ها، دیگر باورپذیر نیستند و مخاطب جهانی، دیگر اعتقادی به تفوق و برتری آمریکا نخواهد داشت. گاهی آتش، این چنین به حقیقت یاری می‌رساند و با سوزندان تصویرات خیالی و وهمی، حقیقت خالص و ناب را در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد. ما در این چند روز، ناتوانی و درماندگی و نتوانستن و سردرگمی آمریکا را دیدیم و دریافتیم همه آن ادعاها و گزافه‌گویی‌ها و بلوف‌ها و رجزخوانی‌ها و خودبرتربینی‌ها، برای اغوای جهان است؛ و گرنه در پس پرده، چیزی چیز استیصال و عجز و عدم و امتناع نیست. آن تصاویر سوختند و خاکسترهای روشن‌تر آفریدند.

۴. اینک می‌توان در آینه این خاکسترها و ویرانی‌های انبوه و آخرالزمانی، افول آمریکا را به نظاره نشست. آمریکا به نقطه پایان رسیده است و دیگر نمی‌تواند با تکیه به اغوای تصاویر و کلمات، اقتدار نداشته‌اش را بفروشد و انقیاد و اطاعت وادادگی بخرد. ما به چشم خویش می‌بینیم که ابرقدرت در صحنه واقعیت، عاجز است و نمی‌تواند به این کابوس هولناک، پایان بدهد. لس‌آنجلس، به شهر ارواح تبدیل شده و حجم انبوه بی‌خانمان‌ها و آوارگان، پایان داستان تخیلی ابرقدرتی آمریکا را به نمایش نهاده است. خاکسترها، زبان گویایی دارند و از راز سر به مهر آمریکا با ما سخن می‌گویند. آمریکا از درون، دچار فروپاشی خواهد شد و این در زمانی است که چشم‌های ما به روی ضعف و سستی و ناتوانی و عجز آمریکا گشوده شده است و هراس و خوف از او، از دل‌ها بر چیده شده است.

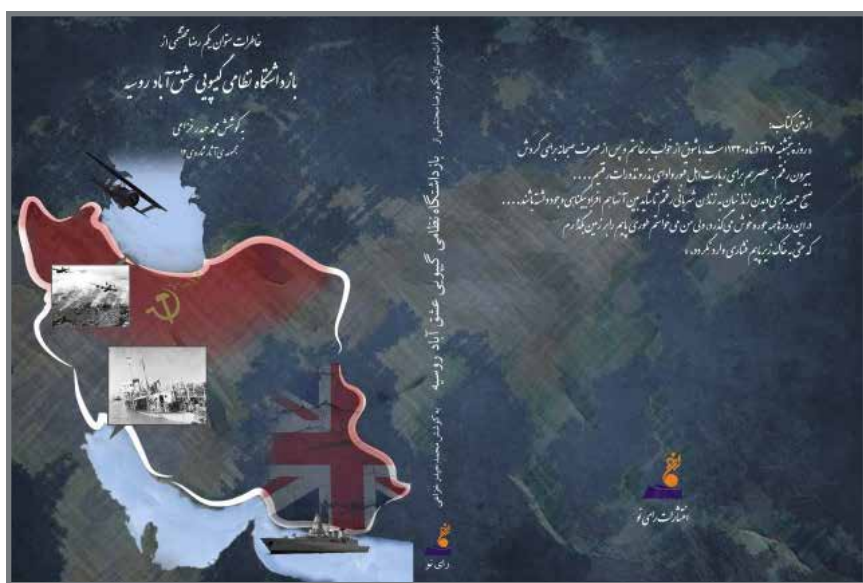
درونش، صهیونیست‌ها را حمایت می‌کند تا روزانه در غزه، جان بستانند و کودک بکشند و ویرانی و خرابی و آوارگی بیافرینند، اما ناگهان، دست قهر و غضب الهی از آستین طبیعت بیرون می‌آید تا شاید تنبّه و تذکری حاصل شود. اگر آن فلسطینی مظلوم، از سرمای آوارگی جان می‌دهد تا حرارت گلوله را در تن خویش حس می‌کند، اینک در خود آمریکا، داستان شهر خاکسترنشین و سوخته رخ می‌دهد تا آشکار گردد که نمی‌توان از عواقب عمل گریخت و سرمستانه و قلدرمآبانه، ظلم کرد و خون ریخت.

۳. در آمریکا، فقط خانه‌ها نمی‌سوزند، بلکه هیبت و شوکت آمریکا نیز در حال سوختن است. آمریکایی مقتدر و گردن‌کش، اینک ناکام از مواجهه با طبیعت است و عجز و ناتوانی و سستی خویش را به جهان نشان می‌دهد. تپه‌های هالیوود، خاکستر شدند تا سینمای هالیوودی که آمریکا را در چشم‌ها و دیده‌ها، افسانه‌های اسطوره‌نشان می‌داد، اعتبارش خویش را ببازد. آن همه رجزخوانی و عصیان و برتری و علو و تفوق، که در هالیوود، جنبه بصری یافته بودند، دود شدند و به هوا رفتند. آمریکا در برابر قهر و غضب طبیعت، ناتوان و علیل است و نمی‌تواند فریاد آن را سرکوب کند. آمریکا، آن نیست که در هالیوود دیده بودیم، بلکه همین تپه گداخته و شهر سوخته است. خاکسترها و خرابه‌ها، چهره واقعی آمریکا هستند؛ آن ابرقدرت جهانی شدن و بی‌رقیب و یکه‌تاز، در درون خودش، دچار انفعال شده و پرده اقتدار پوشالی‌اش، در دیده گشته است. اقتدار را باید در درون مرزهای ملی جست، نه در حمایت از صهیونیست‌ها در برابر آوارگان غزه. عزه، سوخت و می‌سوزد، اما آمریکا نیز باید در درون خویش، طعم گداختن و خاکسترشدن و ویرانی و آوارگی را بچشد. آن چهره اسطوره‌ای از آمریکا، اینک در میدان و محک عمل، خویش را نشان می‌دهد؛ آمریکایی عاجز و ناتوان و مستأصل که از عهده مواجهه با خشم طبیعت بر نمی‌آید و فقط می‌تواند در برابر پیشروی غضب طبیعت، وحشت و هراس و انفعال خویش را به نمایش بگذارد. این عجز و نتوانست و اضطرار و درماندگی، حقیقت آمریکاست؛ آمریکا را باید اکنون و در اینجا شناخت، نه در پرده سینمای هالیوودی. آن پرده، بزک‌کرده و نمایشی و صوری و خیالی است و این پرده، واقعی و عینی و بیرونی و بدون دستکاری. آن اقتدار نمادین و پوشالی و ساختگی، جز در دنیای تصاویر رسانه‌ای، واقعیت ندارد و فقط می‌تواند کسانی که در وهم و خیال به سر می‌برند را فریب بدهد و اغوا کند. آری، پرده اغوا دریده شده و چهره واقعی و عینی، نمایان گشته است. اینک باید چشم‌ها را گشود و عجز و اضطرار را به روشنی و وضوح دید؛ آن هم نه در برابر یک قدرت انسانی مجهز، بلکه

۱. آتش‌سوزی هولناکی که به جان آمریکا افتاده و با زبانه‌های خشمگین خود، لحظه به لحظه، همه ساخته‌های این تمدن تکنیکی را خاکستر می‌کند، زبان دیگری نیز دارد که که رسانه‌های آمریکایی از شنیدن و گفتن آن پرهیز دارد. آمریکا در آن سوی جهان است اما دست و پای آمریکا در این سوی جهان، همواره جنگ‌افروزی کرده و در اینجا، جایی که از جغرافیای آمریکا دور است، صدها آتش برافروخته است. آمریکا در خانه‌اش به کسی نجنبیده، بلکه جنگ‌ها و نزاع‌ها را در جغرافیای دور طراحی کرده تا خودش در امنیت به سر ببرد. آمریکا، جنگ را برای مرزهای ملی خودش نخواسته و همواره در بیرون از خویش، شعله افکند و ستیزها و کشمکش‌های خونین به راه انداخته است. اما اینک، دست پنهان طبیعت از آستین حادثه بیرون آمده و طبیعت، چهره قهرآمیز و مهیب خویش را به آمریکا نشان داده است. جهان، کور و کر نیست و ستم و جور و جفا را به نظاره نمی‌نشیند، بلکه به‌ناگاه، غضب خویش را در جامه رویدادهای طبیعی، جلوه گر می‌کند و سرمستی ناشی از قدرت را می‌زداید. آمریکای سرمست و نعره‌زن و بی‌مهاری، اینک در خود پیچیده است؛ چون می‌داند اینک در جغرافیای خویش، پاسخ آن آتش‌های بیرونی و جهانی را می‌نگرد و همه عذاب‌ها و دردها و رنج‌هایی را که به دیگران چشاند در در عمق خاک خویش، می‌چشد. هستی، فهم و اراده و جهت دارد و بر اساس قانون عمل و عکس‌العمل تدبیر می‌شود. آری، یک کف خاک در این بادیه ضایع نشود. آمریکا، دیروز باد کاشت و امروز، طوفان درون می‌کند؛ دیروز زخم نشاند و امروز می‌سوزد.

۲. غزه را از یاد نبرده‌ایم؛ عزای که همچنان آغشته به جنگ و آتش و خون و داغ و مرگ و مباران و آوارگی است. آه مردمان و کودکان غزه، و خون شهدای آن، این چنین سر بر می‌آورد و دامن گیر آمریکا می‌شود. طبیعت، جزو جنود خداست و این گونه نیست که همواره مؤمنان در برابر جبهه استکبار، شمشیر از نیام بیرون آورند و به مقابله برخیزند، بلکه گاه، طبیعت نیز به معرکه می‌آید و عذاب و عقاب می‌دهد و جلوه قهر و غلبه الهی می‌شود و رنج و مشقت را می‌چشاند. اگر جهان، کور و کر نیست، پس رویدادهای طبیعی نیز تصادفی و اتفاقی نیستند، بلکه باید خروشنیدن و جوشیدن طبیعت را به‌مثابه واکنش قهرآمیز الهی به به کنش‌های ظالمانه و سبانه فهم کرد. طبیعت، بیرون از دایره و دامنه اراده الهی نیست و این گونه، تسویه حساب می‌کند. اگر جغرافیای آمریکا، دور از صحنه جنگ است و آمریکا خود را از آتش‌هایی که برانگیخته، برکنار و مصون داشته، اما چنین رویدادی نشان می‌دهد که در انتظار واکنش هولناک و خوف‌انگیز از جایی بود که توقع نمی‌رود. آمریکا، آسوده‌خاطر از

## «بازداشتگاه نظامی گیبویی عشق آباد روسیه»؛ روایتی از اشغال، اسارت و تلخی‌های استعمار



سربازان فداکاری که بدون اجازه فرماندهان‌شان نخواسته بودند سربازخانه را ترک کنند.»

وقتی در مشهد آگاه می‌شود که چون اسیر جنگی باید روانه عشق آباد شود، ناراحتی‌اش دوصد افزون می‌شود و این لحظات را این‌گونه توصیف می‌کند:

«... من آن لحظه را هرگز فراموش نمی‌کنم. از شنیدن این حرف آینده عجیب و غریبی جلوی چشم‌مان رژه می‌رفت. کانال‌های معدن ذغال سنگ سیبری و ناپدید شدن خود در جلوی چشمان خانواده و همه کسانی که مرا می‌شناختند را پیش خود مجسم می‌کردم. گرفتن وطن از من و من از وطنم برایم تراژدی بود و اینکه میهنم به دست اجنبی افتاده و ما سربازان دست‌وپا بسته قادر به هیچ کاری نیستیم و به جای اطاعت از فرماندهان خود، باید از سرباز و سرجوخه‌های روس اطاعت کنیم، بسیار برایم آزاردهنده بود ...»

محمدحیدر خزاعی، نویسنده اثر پس از درج خاطرات ستوان یکم محتشمی، به یاد جفاهای دولت‌های روس و انگلیس می‌افتد که در طول ارتباط دیرینه آنان با ایران در مقاطع مختلف و با اهداف و بهانه‌های گوناگون تا توانسته‌اند به هر وسیله ممکن به استقلال

این کتاب به‌طور کلی مشتمل بر زندگی نامه سرتیپ محتشمی است و خاطرات مدت اسارت در زندان گیبویی عشق آباد (مشتمل بر ۷۶ عنوان) را روایت می‌کند. همچنین شامل اظهار نظر برخی از دوستان در مورد این خاطرات است.

یادآوری جفاهای روس‌ها و انگلیسی‌ها به ایرانیان در ادوار مختلف تاریخی (جنگ‌های ۱۰ ساله اول روس با ایران (مشتمل بر ۵۵ عنوان)، دوره دوم جنگ‌های ایران و روس (مشتمل بر ۳۳ عنوان)، قراردادهای سال ۱۹۰۷، ۱۹۱۵، ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ (مشتمل بر ۱۶ عنوان)، اشغال ایران در زمان جنگ جهانی دوم (مشتمل بر ۳۳ عنوان)، شرح تصاویر کتاب مشتمل بر ۴۱ عکس و بیوگرافی نویسنده از دیگر بخش‌های این کتاب است.

ستوان یکم محتشمی این افسر رشید که اصالتاً تربتی است با قلم ساده و شیوا و توصیفات دلچسب و کلمات و عبارات زیبا و امیدبخش این خاطرات را نقل کرده و خاطراتش از زمان اسارت تا زمان آزادی را بازگو کرده. سخت‌ترین لحظات برای او وقتی است که به فرمان مافوق باید او و سربازانش اسلحه‌شان را که چون ناموس خود می‌دانند و تاکنون چون جان شیرین از آن مراقبت کرده‌اند، به اجنبی تحویل دهند و سپس حاضر شود تا به اتفاق سایر افسران به مشهد اعزام شوند. اوج این آندوه را در این کلام خلاصه می‌کند:

«در تمام مدت تحویل اسلحه یک قبضه توپ جلوی درگروهان آماده شلیک بود. وقتی اسلحه خود را تحویل دادم از این ساعت دیگر دست خود را تپه‌ای از همه چیز دیدم و دیگر خود را یک فرد مغلوب می‌دیدم. نشانه این مغلوبیت را در شلیک دو تیر دیدم که هم به جهت ایجاد ترس بود و هم برای متفرق کردن

کتاب «بازداشتگاه نظامی گیبویی عشق آباد روسیه» به قلم محمدحیدر خزاعی شامل خاطرات ستوان یکم رضا محتشمی است و شامل گنجینه‌ای ارزشمند از تاریخ معاصر ایران است که ما را به بازنگری در تاریخ پرچالش ایران و اهمیت ثبت رویدادهای مهم تاریخ معاصر دعوت می‌کند. خاطرات «بازداشتگاه نظامی گیبویی عشق آباد روسیه» در شهریورماه نامیومون ۱۳۲۰ خورشیدی که در حقیقت همان «خاطرات صد روز اسارت در بازداشتگاه عشق آباد ترکمنستان شوروی» است و در حین جنگ جهانی دوم با قلم روان و شیوای ستوان یکم رضا محتشمی (سرتیپ بعدی) نگارش یافته، از همین دست خاطرات است و پیش‌تر از این، پس از اینکه به صورت پاورقی در یکی از روزنامه‌های کشور چاپ شد، سرانجام توسط خسرو معتمد تحت عنوان «پرطمطراق دهه شوم شهریور...» به چاپ رسیده بود.

این اثر در تاریخ چهاردهم تیرماه سال ۱۴۰۰ توسط فرزند تیمسار، گلزاره محتشمی، به صورت روزانه و بخش بخش برای مطالعه اعضای گروهی در یکی از گروه‌های دوستانه در پیام‌رسانی به اشتراک گذاشته شد. اعضای آن گروه چه آنهایی که از سال‌ها پیش به تیمسار ارادت داشتند و او را از نزدیک ملاقات کرده بودند و چه کسانی که با مرور آن نوشته‌ها، پی به شخصیت او بردند، هر کدام به زبانی و شیوه‌ای از آن نوشته و صاحب نوشته به نیکی یاد کردند. حاصل این شد که محمدحیدر خزاعی، یکی از نویسندگان خوش‌نام خراسانی، ضمن تنظیم و تدوین و افزودن توضیحات و بخش‌هایی، مبادرت به نوشتن پیش‌مقدمه، مقدمه، پانویشت و حاشیه‌نویسی کرده و به فراخور مطالب، عکس‌هایی مرتبط با موضوع را جای‌گذاری کرد.

و هم‌بستگی ملت ایران لطمه بزنند لذا در این اثر می‌نویسد که چگونه از ابتدای اجرای سیاست‌های استعماری دولت‌های روس و انگلیس در قاره آسیا، شهر هرات در اولین گام مورد توجه انگلیسی‌ها قرار می‌گیرد. این دولت استعمارگر، تمام کوشش خود را بر این نکته متمرکز می‌کند تا بتواند به هر نحو ممکن شهر هرات را از ایالت شرقی ایران یعنی خراسان بزرگ جدا کند. این اقدام از آن جهت مورد توجه است که دولت بریتانیا پس از به زیر سلطه درآوردن کشور وسیع و زرخیز هندوستان به عنوان یکی از مستعمرات امپراطوری خود، توانست سبب سلب صلح و آرامش در این قاره عظیم شود و به تبع آن تمام کشورهای این منطقه از جهان، ناخودآگاه به سوی دایره سیاست بین‌المللی کشیده شوند.



## ترافیک دیپلماتیک در سوریه جدید

فرزان شهیدی

پس از سرنگونی نظام سوریه در ۱۸ آذرماه ۱۴۰۳، وزاری خارجه فرانسه و آلمان به عنوان نخستین وزرای خارجه اروپا راهی این کشور شده و با احمد الشرع (ایومحمد الجولانی) در کاخ ریاست جمهوری دیدار و مذاکره کردند.

«ژان نوئل باروت»، وزیر خارجه فرانسه به همراه «آنانا بربوک» هم‌تای آلمانی‌اش در این دیدار اعلام کردند که خواهان مراودات جدید با سوریه و یک انتقال صلح آمیز و تشکیل حکومت فراگیر در این کشور با حضور همه عناصر موجود در صحنه سیاسی - اجتماعی سوریه هستند.

به نظر می‌رسد که قدرت‌های غربی به طور محتاطانه در حال بازگشایی کانال‌هایی با حاکمان جدید سوریه پس از ۱۳ سال جنگ و بحران بوده و سفر دیپلمات‌های ارشد اروپا با هدف نشان دادن تمایل اتحادیه اروپا جهت پذیرش حاکمیت جدید با محوریت تحریرالشام انجام شده است.

این موضع در سخنان «کایا کلاز»، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز بازتاب یافته است که چند روز پیش گفته بود پیام ما به رهبری جدید سوریه احترام به اصول توافق شده با بازیگران منطقه‌ای و تضمین حفاظت از همه غیرنظامیان و اقلیت‌ها از جمله مسیحیان می‌باشد.

دعوت به تشکیل دولت فراگیر و مشارکت اقلیت‌ها شامل کردها نیز می‌شود و به همین دلیل وزیر امور خارجه فرانسه پس از دیدار با نمایندگان جامعه مدنی در دمشق گفت که باید یک راه حل سیاسی با کردها به عنوان متحدان این کشور حاصل شود تا آنها نیز به طور کامل در فرآیند سیاسی حاکمیت سوریه ادغام شوند. وی همچنین اعلام کرد کشورش به همراه سایر کشورهای اروپایی قصد دارند کمک‌های فنی و مشاوره‌ای در مورد یک قانون اساسی جدید به دمشق ارائه دهند.

این در حالی است که پیش از این رهبران حزب دموکراتیک کرد با احمد الشرع دیدار کرده و خواستار تحقق حقوق اقلیت کرد شده بودند. موضع احمد الشرع تاکید بر یکپارچگی سرزمینی و حاکمیتی سوریه است و با توجه به نگاه استقلال طلبانه کردها و اعلام خودمختاری در مناطق شمال شرق، بروز چالش میان دو طرف دور از ذهن نیست.

در واقع شرایط جدید در سوریه عرصه را برای حضور و نفوذ اروپا در سوریه و منطقه فراهم نموده و موضع وزیر خارجه آلمان که از روسیه خواسته پایگاه‌های نظامی خود را در سوریه ترک کند، در این راستا قابل فهم و ارزیابی است.

مقامات اروپا همچنین نگران بازتولید و گسترش گروه‌های افراطی و تروریستی به ویژه داعش هستند که در دوره جنگ سوریه، تا حد تهدید امنیتی اروپا پیش رفتند و به همین دلیل یکی از شروط آنان در حمایت از حاکمیت جدید سوریه این است که احمد الشرع این گروه‌ها را مهار و با آنها مبارزه کند.

در مقابل احمد الشرع به عنوان حاکم جدید سوریه در شرایط کنونی خواهان جلب حمایت اروپا به عنوان یک قطب سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌المللی است. این حمایت‌ها شامل کسب مشروعیت سیاسی، کمک‌های اقتصادی در امر بازسازی و ترمیم زیرساخت‌های ویران شده سوریه، لغو تحریم‌ها و بالاخره خروج تحریر الشام و رهبرش از لیست تروریسم غرب می‌باشد. به باور ناظران، سفر مقامات دیپلماتیک اروپا نماد یک تغییر مهم در دیپلماسی اروپایی نسبت به سوریه محسوب می‌شود که پس از سال‌ها روابط پرتنش خواهان تعامل با سوریه جدید هستند. با این حال برخی از تحلیلگران معتقدند چنین روندی چندان آسان نخواهند بود، زیرا ریشه‌های اسلامگرایی افراطی تحریر الشام به عنوان شاخه‌ای از القاعده، همچنان نگرانی‌هایی را برای غرب ایجاد نموده و در نتیجه بر خورد آنها با حاکمان جدید دمشق محتاطانه و مشروط خواهد بود.

در واقع موضع اروپا نسبت به سوریه جدید، تفاوت چندانی با ایالات متحده آمریکا ندارد. واشنگتن نیز شروطی را برای حمایت از احمد الشرع وضع نموده که البته از شروط اروپا سختگیرانه‌تر است، به ویژه در جایی که مربوط به مناسبات حاکمیت جدید سوریه با جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل می‌شود. در این راستا هم آمریکا و هم اروپا در انتظار محک زدن حاکمیت جدید و میزان تحقق شروط وضع شده خواهند نشست. این در حالی است که حاکمان جدید سوریه نیز با سرنگونی رژیم



بشار اسد در صدد تغییر معادلات گذشته بوده و به طور طبیعی، مهمترین شاخص این تغییر، تبدیل «نگاه به شرق» به «نگاه به غرب» خواهد بود. این تحول که با سفر شتابان مقامات آمریکایی و اروپایی به سوریه رقم خورده است، اگر وارد فاز عملیاتی شود در معادلات منطقه و خصوصا محور مقاومت تأثیرات زیادی خواهد نهاد و ضمن آنک آرمان فلسطین از تب و تاب گذشته خواهد افتاد؛ رژیم صهیونیستی نیز با غرور از تحولات اخیر منطقه به ویژه فروپاشی نظام سوریه، حاشیه امن تازه‌ای برای توسعه طلبی‌های خود خواهد یافت.

همچنین از دیگر تبعات این تحول تازه در سوریه، از سرگیری روند عادی سازی مناسبات کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی یا احیای اصطلاحاً پروژه «صلح ابراهیم» خواهد بود که پیش بینی می‌شود با صعود دونالد ترامپ - به عنوان مبدع این طرح - به کاخ سفید از سر گرفته شود.

اگر سیاست دولت جدید ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران را که مبتنی بر سیاست «چماق و هویج» (فشار حداکثری و دعوت به مذاکره) خواهد بود بیفزاییم؛ شرایط برای ایران و محور مقاومت دشوارتر خواهد شد. بنا بر این به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در میانه ترافیک سفرها و فعالیت‌های متراکم سیاسی و دیپلماسی نسبت به سوریه جدید، باید دستگاه خارجه خود را فعال کند و ضمن رایزنی با اطراف مختلف به ویژه کشورهای دوست در منطقه، رویکرد کلان و راهبردی حفظ و حمایت از محور مقاومت را در شرایط جدید با تکیه بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های موجود، بازتعریف کند.

## سریال ناکامی‌های آمریکا در انحلال حشدالشعبی

محمدعلیزاده



از معادلات نظامی و امنیتی این کشور تحت فشار مضاعفی قرار داده‌اند. شکست میدانی رژیم اشغالگر قدس در غزه و بیروت سبب شده تا حشدالشعبی نیز حکم یک خطر بالفعل برای واشنگتن و تل‌آویو را پیدا کند. بنابراین، بخشی از اصرار خاص آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها مبنی بر خلع سلاح مقاومت عراق و تبدیل آن را به یک گروه منفعل، همین مسأله است. از سوی دیگر، در دکترین کلان سیاست خارجی آمریکا، عراق کانونی برای تحقق «خاورمیانه جدید» محسوب می‌شود. آمریکا تاکنون دو بار در عراق به واسطه پرتنگ بودن گفتمان مقاومت شکست خورده است: ابتدا پس از اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی و دیگری پس از حضور داعش در عراق و متعاقباً، شکست تروریسم تکفیری توسط جبهه مقاومت. اکنون آمریکا و مهره‌های منطقه‌ای آن در صدد بازتعریف این اقدامات مداخله‌گرایانه در عراق هستند. این استراتژی، به مانند دو استراتژی قبلی موجودیت و هویت سرزمینی عراق را هدف قرار می‌دهد.

### حشدالشعبی؛ مانعی در برابر تجزیه عراق

در اینجا لازم است روی استراتژی دیگر آمریکا در عراق، یعنی تجزیه این کشور به بهانه فدرالیته کردن آن (به سه بخش کردی، شیعی و سنی) اشاره کرد. جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا در زمان اشغال عراق توسط دولت بوش طرح تجزیه عراق بر اساس مؤلفه‌های قومیتی و مذهبی را مطرح کرد. آمریکا می‌خواست عراق سنی‌نشین، شیعه‌نشین و کردنشین را تشکیل دهد و این تفکیک مقدمه‌ای برای تجزیه کل غرب آسیا و جهان اسلام محسوب می‌شد. اکنون همین سناریوی راهبردی خطرناک در اتاق‌های فکر آمریکا و رژیم اشغالگر قدس مورد توجه قرار گرفته است. دفرمه‌سازی معادلات امنیتی و داخلی عراق و تبدیل آن به کانون آشوب و ناامنی در منطقه، هدفی نیست که دیگر کسی بتواند آن را کتمان کند؛ دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان آمریکا در صدد نفوذ مستمر در عراق و تبدیل آن به کانون چندپاره کردن منطقه و جهان اسلام هستند. حشدالشعبی اصلی‌ترین سدی است که در مسیر آمریکا و رژیم اشغالگر قدس قرار دارد و

### نقشه راه جدید دشمن در بغداد

اکنون آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، دولت عراق و دیگر محافل تصمیم‌ساز در این کشور عربی را در راستای حذف حشدالشعبی

## چرا یمن متوقف نمی‌شود؟

مهدی افراز

توسعه نیافتگی بزرگترین امکان یمن برای عدم توقف در مسیر حمایت از مقاومت غزه بوده است. یمن تنها نیروی است که در طول ۱۵ ماه گذشته، موفق شده به صورت پیوسته بانک متنوعی از سرمایه‌های اسرائیل و حامیانش را مورد هدف قرار بدهد. آمریکا برای سرد کردن سرب‌هایی که بر علیه‌اش داغ می‌شوند، همواره از الگوهای استفاده می‌کند که یمن خود را خارج از آن‌ها تعریف کرده است.

در صنعا هیچ سفارت‌خانه غربی وجود ندارد، هیچ درآمدی از این کشور در فدرال رزرو بلوکه نمی‌شود، هیچ تفاهم‌نامه مشترکی برای توسعه میادین نفتی و گازی مارب و حضرموت با توتال، بریتیش پیترولیوم و هانت منعقد نشده است، در بندر الحدیده هیچ مگا پروژه‌های مبتنی بر طرح کوئیز با سرمایه‌گذاری آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده وجود ندارد، در یمن طبقه متوسط حقوق‌بگیری شکل نگرفته که پرداخت ماهیانه آنها در گرو برنامه تسهیلات ساختاری و تسهیلات مالی تمدید شده با صندوق بین‌المللی پول باشد، در حجه و عمران و صنعا هیچ پیشران صنعت اروپایی راه اندازی نشده است که تحریم‌ها اخلاقی در زنجیره تامین آن ایجاد نماید، یمن بازار مصرف فریبی ندارد که در عین منجمد بودن روند صادرات، تراز تجاری آن دچار کسری عجیب و غریبی شده باشد، هیچ طرح توسعه شهری در ساحل دریای سرخ تدوین نشده است که برای تامین منابع آن وزارت دارایی یمن، به استقراض مالی از بانک جهانی و شریک نمودن اتحادیه اروپا در آنها مجبور باشد و ...

سودای توسعه و قرارگیری در وضعیت ذهنی عقب‌ماندگی، مهم‌ترین امکان غرب برای تحمیل حکمرانی مطلوبش در کشورهای غیرغربی است. سیاست‌های توسعه پایدار، ابزارهای صورت بندی شده‌ای از ایدئولوژی آمریکایی برای کنترل رفتارها در جهان است. این سیاست‌ها بدون توسل به نظامی‌گری، ضمانت‌های لازم را برای همراهی با سناریوهای جهانی تامین می‌کند. توسعه یافتگی به عنوان انتزاعی بی‌معنا، اهرم تمام عقلانیت‌ها، رفتارها و سازوکارها شده و جهان اسلام را با شرکت‌های صهیونیستی چندملیتی هم سرنوشت کرده است.

امروز جهان اسلام بیمار سیاستی است که پس از جنگ دوم در پیش گرفته شد، افسانه‌ای که به نام توسعه برای ملت‌های مسلمان تصویرسازی شده، القیای اداره را هم از دسترس دولت‌ها خارج کرده است. دست و پا زدن بی‌پایان مصر، اردن، لیبی، عراق و لبنان در بحران داخلی، بدهی‌های خارجی و انکار مطلق استقلال ملی، اطمینانی است برای اینکه یمن مسیر عقلاانه‌تر و پایدارتری برای پیشرفت و ترقی خود در پیش گرفته است.

یمن توقف‌ناپذیر شده چون ناخواسته از دام توسعه‌رهای یافته، فقدان عقلانیت توسعه‌گرا در یمن ابزار بمباران‌های دائمی را هم بلاوجه کرده است. حوثی‌ها برای اجرای تصمیمات سرنوشت‌ساز خود، زیر فشار فریز شدن فرآیندهای توسعه نیستند... توسعه نیافتگی یمن، نه تنها موقعیتی برای امروز مقاومت بلکه امکانی امیدبخش برای خروج ذهنیت‌ها از سراب توسعه و تولد دوران ترقی و پیشرفت، برای فردای کل منطقه می‌تواند باشد.

از همین جهت و مزیت، شاید یمن امروز همان گمشده‌ای است که سال‌ها قبل چامسکی، برای خارج کردن بشر قرن بیستمی، از چرخه آشفته و بی‌معنای توسعه آن را تمنا می‌کرد؛ «در برابر این آشفته‌گی بی‌حد و حصر جهانی که همه، چه کشورهای توسعه یافته و چه مردمان کشورهای در حال توسعه، از آن در رنج هستند و در برابر شکست مطلق توسعه در نظریه و عمل، چه می‌توان کرد؟ آیا باید انتظار داشت که جنگ‌های جهانی آن را به پایان برند؟ در این صورت چه کسی حاضر است برای سیاست مداران اروپا بخت، جان خود را فدا کند؟ چه کسی حاضر است بپذیرد که ملت‌ها هستند که واقعا در این جهان حکومت می‌کنند؟ چه کسی می‌تواند ضمانت کند که بشریت با هزاران سال عقب ماندگی خروج خود را از چنین جنگ‌هایی ناممکن نکند؟ آیا باید در انتظار انقلابی جهانی بود؟ در صورت چنین انقلابی کدام آرمان شهر را هدف دارد؟ قرن بیستم چه چیز از آرزوها و چشم اندازهای دوردست و شیرین باقی گذاشته است؟»

### عراق امن؛ کابوس آمریکاست

شیخ صهیب حبلی، عضو ارشد علمای مقاومت در لبنان با اشاره به طرح کلان آمریکا برای تجزیه منطقه و عراق می‌گوید: «به صورت کلی امنیت در منطقه، مخالف و مغایر خواست آمریکا و متحدان آن است. این قاعده به صورت خاص در مورد عراق نیز صدق می‌کند. حضور داعش در عراق و تمرکز حامیان غربی و صهیونیستی بر توسعه دامنه فعالیت‌های تروریستی آن در مناطق گوناگون، ناظر بر همین نگاه کلان است. برخی تصور می‌کنند پس از شکست داعش و درهم شکستن آن توسط جبهه مقاومت، توطئه‌های غرب و رژیم صهیونیستی در این خصوص متوقف شده، اما این فرضیه خطاست. باید توجه داشت که باز تعریف گروه‌های تروریستی و نظارت بر عملکرد آنها، همچنان ماموریتی تعریف شده از سوی آمریکا، رژیم اشغالگر صهیونیستی و اتاق‌های فکر آنهاست.»

این عالم لبنانی می‌افزاید: «صیانت از گفتمان مقاومت در عراق و مصادیق آن، باتوجه به ماهیت توطئه‌هایی که دشمنان علیه موجودیت این کشور طراحی کرده‌اند، یک الزام محسوب می‌شود. مقاومت عراق در برابر توطئه‌های دشمنان قاطعانه و مدبرانه ایستاده و اصالت سرزمینی و ماهوی عراق را در سایه این قاطعیت و آگاهی حفظ کرده است.»

اجازه چندتکه شدن این کشور را به دشمنان نمی‌دهد.



## «بازار ارز توافقی» آنچه هست و آنچه نیست

امیرحسین جوانشیر



### استراتژی احمقانه

محسن صیادقنبری

این روزها و در آستانه ورود ترامپ به کاخ ریاست جمهوری، گمانه زنی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه وی ممکن است تصمیم بگیرد به ایران حمله کند که البته احتمال آن بسیار ضعیف می‌باشد.

اولاً با توجه اینکه ایران، اشراف اطلاعاتی بر امکانات نظامی آمریکا اعم از نفرات، ادوات و پایگاه‌های نظامی را دارد و از طرف دیگر این کشور از لحاظ قدرت نظامی یکی از کشورهای مطرح دنیا می‌باشد ترامپ نمی‌تواند تضمین کند که پس از حمله به ایران، نیروها و امکانات نظامی کشورش در منطقه از حملات برق‌آسای ایران در امان بمانند ضمن اینکه کشورهایی که آمریکایی‌ها در آنجا پایگاه دارند نیز از این درگیری‌ها مصون نخواهند بود و دایره جنگ و درگیری نیز گسترده‌تر خواهد شد. البته ترامپ قبلاً سیلی ایران را در عین الاسد خورده بود و به قول آمریکایی‌ها شمار قابل توجهی از سربازانش دچار ضربه ملایم مغزی شدند!

ثانیاً ترامپ می‌داند که این حمله احمقانه منجر به افزایش قابل توجه قیمت جهانی نفت خواهد شد و او نمی‌خواهد این اتفاق برای اقتصاد متزلزل کشورش مشکل‌ساز شود. روز سه شنبه گذشته نیز ترامپ در نشست خبری، در پاسخ به پرسش خبرنگاری که از او درباره احتمال اقدام نظامی علیه ایران سوال نمود، پاسخ داد: «من در مورد آن صحبت نمی‌کنم، این یک استراتژی نظامی است.» و در ادامه با اصرار خبرنگار بر سوال خود پاسخ داد: «خب، نه واقعاً. فقط یک فرد احمق به آن پاسخ می‌دهد. این یک استراتژی نظامی است و من به سوالات شما در مورد استراتژی نظامی پاسخ نمی‌دهم.»

آنچه که پیش‌بینی می‌شود آن است که ترامپ ادامه همان فشار حداکثری بر اقتصاد ایران با اعمال تحریم‌های بیشتر را دنبال خواهد کرد که از جمله آن تحریم‌های نفتی و عدم دسترسی ایران به درآمدهای حاصل از آن و در کنار آن وادار نمودن ایران به مذاکرات دوباره در خصوص برجامی با شرط و شروط جدید می‌باشد.



افزایش مانده حساب تراستی‌های بانکی، این قدرت را به بانک مرکزی می‌دهد که راحت‌تر سوپا معکوس را از طریق این بانک‌ها انجام دهد. این اتفاق آثار پولی مثبت نیز دارد زیرا در شرایطی که بازار بین بانکی با کمبود ذخایر مواجه است، سوپا معکوس تا حدی ذخایر بین بانکی را افزایش داده و عملیات بانک را تسهیل می‌کند که در شکستن نرخ‌های بهره اقتصاد نیز موثر است.

#### اقدامات تکمیلی ایجاد بازار توافقی

در مجموع، اولین قدم برای ایجاد بازار رسمی یکپارچه ارز برداشته شده و بانک مرکزی باید در قدم‌های دیگر برای ایجاد مرجعیت این بازار در معامله و نرخ ارز تلاش کند. این اقدام لازم است، اما کافی نیست. مهمترین لازمه تکمیل این اقدام، کنترل بازار غیررسمی است.

به دلیل مدل کشف قیمت در بازار ارز توافقی که بر مبنای سفارش عرضه کننده و متقاضی است، این افراد در هنگام ثبت سفارش قیمت در سامانه از مؤلفه‌های مختلفی از جمله نرخ ارز در بازار غیررسمی تأثیر می‌گیرند. فلذا اگر نرخ ارز غیررسمی در اثر شوک‌های مختلف همچنان با فاصله زیادی در حال افزایش باشد، موجب می‌شود نرخ بازار ارز توافقی نیز از آن تبعیت کند و افزایش یابد. در حالیکه نرخ بازار غیررسمی مبتنی بر مؤلفه‌های اقتصادی و بهینه نیست و این مسئله موجب می‌شود هدفگذاری قیمتی بانک مرکزی در بازار ارز توافقی مختل شود. بنابراین مدیریت بازار غیررسمی مهم است.

انطباق نقشه تجاری و ارزی، کاهش وابستگی به کانال‌های درهمی، کاهش سیالیته بازار غیررسمی از طریق ابزارهای حکمرانی ریال و حرکت به سمت ایجاد شبکه پرداخت رسمی غیردلاری با شرکای تجاری از جمله الزامات کوچک سازی بازار غیررسمی و مرجعیت زدایی از این بازار و کنترل نرخ این بازار است.

توافقی طرفین معامله دو کارگزار یعنی دو بانک (در مواقعی یک کارگزار) هستند. بدین معنا که طرف حساب بانک مرکزی هم دو بانک است. این اتفاق شفافیت تراکنش‌ها را برای بانک مرکزی بیشتر می‌کند. وقتی صادرکننده و واردکننده باید از طریق عامل یعنی بانک در بازار توافقی، ارز خود را مبادله کنند، تبادلات ارزی رده بین بانکی می‌خورد؛ یعنی اشراف و نظارت بانک مرکزی بیشتر خواهد شد. در این مدل چون تراستی‌های ذیل بانک‌ها، وجود ارز و انتقال آن به واردکننده را احراز می‌کنند، اشراف بیشتری برای بانک

مرکزی وجود دارد و بانک مرکزی یک قدم به سمت نظارت و اشراف بیشتر و رسمی شدن ساختار پرداخت حرکت کرده است.

اشراف بانک مرکزی برای جلوگیری از شوک ارزی: نکته‌ی چهارم این است که اشراف بانک مرکزی فقط به درد نظارت نمی‌خورد و کارکرد دیگری نیز دارد. برخی شوک‌های ارزی ناشی از این است که در برهه‌های خاص افزایش تقاضای یک ارز مانند درهم به وجود می‌آید، در این برهه‌ها باید سریعاً ارزهای دیگر به درهم تبدیل شده و در بازار تزریق شود تا از ایجاد شوک جلوگیری شود.

در زمستان ۱۴۰۱ این اتفاق افتاد اما چون سطوح بالای حکمرانی کشور اشرافی بر ارزهای در اختیار کشور نداشتند، عملاً این ایده که یوان چین به درهم تبدیل شود، شکست خورد. در واقع بانک مرکزی نمی‌دانست ارزهای کشور نزد کدام تراستی و به چه میزان است؟ اما در حالت جدید بانک‌ها صرفاً از تراستی‌ها خود گزارش‌گیری می‌کنند و بر اساس اظهار آنها ثبت می‌کنند که چه مقدار معامله و مانده ارزی دارند. امکان احراز کامل ترازنامه تراستی‌ها همچنان برای آنها وجود ندارد اما در مقایسه با تراستی‌های غیربانکی، یک قدم رو به جلوست.

#### امکان مداخله بانک مرکزی در بازار ارز

شوکه‌های دیگر نیز ناشی از اتفاقات غیرمترقبه در کاهش کمیت ارز است. به عنوان مثال در سال آینده اگر برای صادرات ایران و حجم ارز کشور اشکالی به وجود بیاید، نرخ بالا خواهد رفت. برای جلوگیری از این اتفاق، بانک مرکزی باید در بازار مداخله کند، این مداخله می‌تواند از طریق سوپا معکوس اتفاق بیافتد.

سوپا معکوس به معنای گرفتن وام ارزی توسط بانک مرکزی از شبکه بانکی برای مداخله در بازار است. تحلیل می‌شود که با ایجاد بازار توافقی قسمتی از مانده سپرده ارزی شبکه تراستی کاهش یابد و به مانده حساب تراستی‌های بانکی اضافه گردد.

از شروع راه اندازی بازار ارز توافقی اکثر مجادلات بر سر نرخ این بازار شکل گرفت. موافقان افزایش نرخ، شروع به دفاع از آن کردند و مخالفان افزایش نرخ، استدلال‌های خود را بیان کردند. اما برخی موافقان و مخالفان حتی تفاوت بازار ارز توافقی و افزایش سقف نیما را نمی‌دانند؛ فهم تفاوت این دو اتفاق راهگشاست تا بدانیم دقیقاً بازار توافقی چه مسئله‌ای را حل می‌کند.

#### تفاوت‌های بازار ارز توافقی با بازار نیما

لذا در ابتدا تفاوت‌های این بازار با نیما مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بازار در مولفه‌های مختلف با نیما متفاوت است.

بازار تبادل نه بازار ثبت: اول اینکه بازار ارز توافقی یک بازار معاملاتی واقعی است؛ در حالی که نیما تنها یک سامانه ثبت شبیه سامانه دیوار بود؛ در سال‌های متممادی نیاز به وجود یک بازار رسمی برای تبادل ارز گرچه احساس می‌شد اما تا قبل از شکل‌گیری بازار ارز توافقی، تقریباً بازار معاملاتی ارزی در داخل کشور وجود نداشت.

کارکرد سامانه نیما بدین صورت بود که واردکننده و صادرکننده با یکدیگر تبادل ارز را انجام می‌دادند و تنها «ثبت» این تبادل در نیما اتفاق می‌افتاد. ثبتی ناشی از خوداظهاری که امکان تخلفات را برای صادرکننده و واردکننده به راحتی به وجود می‌آورد. اما در بازار توافقی «ثبت» به «تبادل» ارتقا یافته است؛ یعنی واردکننده کیف پول ریالی خود را در سامانه شارژ می‌کند و صادرکننده همزمان کوتاژ صادراتی و ارز خود را به بانک تحویل می‌دهد و معامله توسط بازار ارز توافقی از طریق عاملیت دو بانک کارگزار انجام می‌شود.

خریدار و فروشنده ناشناس: نکته‌ی دوم در این بازار این است که اصطلاحاً تابلو «دارک» است؛ یعنی واردکننده و صادرکننده همدیگر را نمی‌شناسند؛ در سامانه نیما چون واردکننده و صادرکننده همدیگر را می‌شناختند با یکدیگر تبانی می‌کردند؛ به عنوان مثال نرخ ارز را در نیما ۴۴ هزار تومان ثبت می‌کردند اما پشت نیما نرخ ۵۰ هزار تومان را مبادله می‌کردند. یا یک کار متداول این بود که صادرکننده ارز خود را در بازار غیررسمی می‌فروخت و کوتاژ را نگه می‌داشت. سپس کوتاژ را باید برای رفع تعهد می‌فروخت پس کوتاژ را به یک واردکننده که قبلاً از بازار غیررسمی ارز خود را تأمین کرده بود، پیشنهاد می‌داد و این را به عنوان معامله در نیما ثبت می‌کرد. با شکل‌گیری بازار توافقی چون کوتاژ و ارز توسط صادرکننده همزمان باید به بانک کارگزار تحویل داده شود، تعهد ارزی همزمان با تحویل ارز رفع می‌شود و خالی فروشی کوتاژ و... سالبه به انتفاء موضوع می‌شود. بانک‌ها طرفین معامله اند؛ نکته‌ی سوم این است که در بازار

## ایران در شاخصه فلاکت جزء بدترین کشورهای دنیاست!

سیدمحمدحسین راجی

شاخص فلاکت یکی از سیاسی‌ترین و معیوب‌ترین شاخصه‌های دنیاست.

شاخص فلاکت شاخصی اقتصادی است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط اقتصاددانی آمریکایی به نام آرتور اوکان در دوره ریاست جمهوری جانسون در این کشور ابداع شد. این شاخص از حاصل جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری در یک کشور بدست می‌آید. بنابراین هر چه تورم و بیکاری در یک کشور بیشتر باشد، شاخص فلاکت در آن بالاتر خواهد بود.

هرچند تورم و بیکاری از عوامل تأثیرگذار و بسیار مهم در احساس فلاکت یا سعادت مردم یک کشور به شمار می‌رود اما بی‌توجهی این شاخص نسبت به پارامترهای توزیعی اقتصاد مانند نرخ فقر و نرخ نابرابری باعث شده تا درک نادرستی از این شاخص در ذهن مخاطب ایجاد شود.

به عنوان مثال میتوان به سیاستگذاری اقتصادی نادرست برای مهار تورم در بسیاری از کشورهای آفریقایی اشاره کرد. یکی از نمونه‌های بارز آن کشور بوروندی با نرخ فقر ۶۵ درصد است که از فقیرترین کشورهای دنیا محسوب می‌شود اما نرخ تورم آن در سالهای گذشته همواره تک رقمی و حتی در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ منفی بوده است! نمونه دیگر نیز کشور جمهوری دموکراتیک کنگو با نرخ فقر ۷۷٫۲ درصد است که در سالهای گذشته تورم تک رقمی داشته است.

سیاستگذاری‌های نادرست برای مهار تورم و یا ایجاد اشتغال حتی در ایالات متحده آمریکا نیز تعارض‌هایی را بین شاخص فلاکت و وضعیت زندگی مردم بوجود آورده است. در سال ۱۹۸۰ میلادی رونالد ریگان جمهوریخواه در مناظرات تلویزیونی، کارتر

## پیگیری رفع موانع گمرک ترکیه برای صادرکنندگان ایرانی



وزیر کشاورزی که در صدر هیئتی اقتصادی به ترکیه سفر کرده گفت: تلاش دولت، وزارت جهاد کشاورزی و دستگاه دیپلماسی گسترش روابط با کشورهای همسایه به ویژه ترکیه است.

نوری با تأکید بر پیگیری حل مشکلات گمرک ترکیه برای صادرکنندگان ایرانی تصریح کرد: ملاک و عهد دولت چهاردهم عمل به قانون است. باید مانع بخشنامه‌های خلق‌الساعه شومیم تا اعتبار صادرکنندگان ما نیز خدشه‌دار نشود؛ سیاست‌های صادراتی دولت چهاردهم شفاف اعلام خواهد شد.



دموکرات را بدلیل رسیدن شاخص فلاکت بعدد ۲۰ در دوره ریاست جمهوری وی نالایق خواند و با تکیه به همین مسئله توانست در انتخابات از رئیس‌جمهور وقت سبقت بگیرد و رئیس‌جمهور شود. در دولت بوش پدر که همفکر ریگان بود و بلافاصله پس از وی روی کار آمد علیرغم اینکه شاخص فلاکت نسبت به دوره دموکرات‌ها پایین آمده بود اما فقر و نابرابری به حدی افزایش پیدا کرده بود که مردم دیگر به بوش پدر رای نداده و یک دموکرات بنام بیل کلینتون را به ریاست جمهوری ایالات متحده رساندند.

در پژوهشی که پس از رای آوردن بیل کلینتون و چهارساله شدن دولت بوش پدر در دانشگاه ایلاتووا انجام شد اعلام شد که بعلت سیاست‌های غلط اقتصادی جمهوریخواه‌ها برای مهار تورم و بیکاری، رابطه شاخص فلاکت و فقر در ایالات متحده رابطه‌ای معکوس است.

در ایالات متحده آمریکا کاهش شاخص فلاکت با افزایش فقر و نابرابری همراه بوده است.

این شاخص اقتصادی همچنین برای ضربه زدن به استقلال اقتصادی کشورهای در حال توسعه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. رتبه بندی سالانه کشورهای دنیا بر اساس این شاخص باعث شده هر اقدامی که منتهی به تورم شود در سیاستگذاری مذموم تلقی شود، در صورتیکه سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف اقتصاد در کوتاه مدت تورم زاست. یکی از دلایل توسعه اقتصادی این عدم توجه به ارزیابی‌های سالیانه ترازهای مالی و تمرکز بر موفقیت سیاست‌ها در انتهای مدت اجرای طرح‌های

اقتصادی بود. در واقع با برجسته سازی رتبه بندی‌های سالیانه کشورها بر اساس شاخص‌هایی مانند شاخص فلاکت، کشورهای توسعه یافته لگد به نردبانی می‌زنند که خود بواسطه آن نردبان به قله‌های قدرت و ثروت رسیدند.

البته این واقعیات بدان معنا نیست که این شاخص‌ها هیچ اهمیت اقتصادی ندارند. مسلماً تورم‌های سرکش و نرخ بیکاری بالا ضربه زننده به معیشت مردم هر کشوری است اما باید توجه داشت چه سیاستی برای مهار این علائم به کار گرفته می‌شود و رتبه بندی‌های سالیانه این شاخص‌ها مسئولان را به سوی اتخاذ سیاست‌های مسکن مقطعی که در بلندمدت منجر به تشدید بیماری‌های اقتصادی کشور میشود سوق ندهد؛ همانند اقدام دولت یازدهم در مهار تورم با استفاده از افزایش نرخ سود بانکی که ضربه مهلکی به بخش تولیدی کشور وارد کرد و زمینه افزایش شدید نقدینگی و تورم سرکش تری را پدید آورد.





## آتش سوزی‌های لس‌آنجلس ثابت کرد که منتقدین در اشتباهند

دیوید سیروتا، نویسنده فیلم «بالا را نگاه نکن» در واکنش به آتش‌سوزی‌های دامنه‌دار و وسیع لس‌آنجلس در رسانه ایکس (توییتر) نوشت:

آتش‌سوزی‌های لس‌آنجلس ثابت می‌کند که منتقدین درباره فیلم بالا را نگاه نکن در اشتباه بوده‌اند. کمتر از سه سال پس از آنکه مشتی دانشمند نخبه و منتقد سینما اصرار کردند که فیلم پیرامون بحران تغییرات اقلیمی بسیار خام‌دستانه و اغراق‌آمیز است شهر لس‌آنجلس به جهنمی سوزان تبدیل شده است. رسانه‌ها و شبکه اجتماعی مشکل بزرگی دارد و همچنان این باور را تلقین می‌کند که دقت بیش از حد روی بحران تغییرات اقلیمی زشت، ساده‌انگارانه و غیرقابل قبول است.

بالا را نگاه نکن اگرچه در سال ۲۰۲۱ نامزد اسکار بهترین فیلم شد ولی نقدهای منفی زیادی را هم دریافت کرد. کارگردان این اثر آدام مک‌کی بود و بسیاری از بازیگران نامدار هالیوودی نظیر لئوناردو دی‌کاپریو، جنیفر لارنس، تیموتی شالامی، جونا هیل و... نیز در آن به ایفای نقش پرداختند.

## پرواز هفتاد سی در گیشه

در هفته سوم دی ماه، ۶۵۷ هزار و ۹۸۳ نفر به تماشای فیلم‌های روی پرده نشستند و درآمد گیشه در این بازه زمانی، ۳۴ میلیارد و ۲۸۰ میلیون بوده است. در هفته گذشته ۶۶۱ هزار و ۱۶۱ نفر به سینما رفتند و ۳۴ میلیارد و ۵۷۳ میلیون عاید گیشه شده بود. بنابراین در مقایسه با هفته گذشته، تعداد مخاطبان و میزان عایدی گیشه یک ریزش جزئی داشته است. با نگاهی به ۱۰ فیلم پرفروش هفته، متوجه می‌شویم که فیلم «هفتاد سی» حدود ۱۶ میلیون تومان با فیلم «آریا شهر دو نفر» که در رتبه دوم قرار دارد اختلاف دارد که این اختلافی بسیار فاحش و قابل توجه به حساب می‌آید. این مسئله حاکی از این است که بیشتر بار درآمد سینما را یک فیلم به دوش می‌کشد.

در بین این ۱۰ اثر، ۴ فیلم کم‌دی، ۴ فیلم کودک و نوجوان و دو فیلم درام و زندگینامه‌ای هستند که با مرور جدول دو هفته گذشته، می‌بینیم که این الگو کم‌وبیش در حال تکرار است و حال‌وهوای سینما یک آهنگ مشخصی را دنبال می‌کند.

## «مل گیبسون» بالاخره دنباله مصائب مسیح را می‌سازد



مل گیبسون، بازیگر و کارگردان سرشناس سینمای هالیوود که ساخت دنباله «مصائب مسیح» را چند بار به تعویق انداخته و ابتدا قرار بود سال ۲۰۲۳ و سپس ۲۰۲۴ فیلمبرداری آن را شروع کند و آخرین بار از سال ۲۰۲۵ خبر داده بود، حالا از سال آینده خبر می‌دهد.

وی گفته هدفش این است که سال ۲۰۲۶ فیلمبرداری فیلم «رستاخیز مسیح» را شروع کند و به این وسیله عنوان رسمی فیلم را هم تایید کرده است. وی افزود جیم کاویزل دوباره در نقش عیسی بازی خواهد کرد.

گیبسون گفت این دنباله به ۲ فصل جداگانه تقسیم می‌شود و فلسفی و شاعرانه‌تر و ساده‌تر از فیلم اصلی خواهد بود. عامل کلیدی که موجب به تعویق افتادن «رستاخیز مسیح» شده این است که کدام نسخه فیلمنامه برای فیلم مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از سال ۲۰۱۶، گیبسون همراه برادرش و راندال والاس در حال نوشتن فیلمنامه بود. این فیلمنامه ۶ مرتبه بازنویسی شده است.

«مصائب مسیح» ۲۰ سال پیش منتقدان را به ۲ گروه موافق و مخالف تقسیم کرد، اما روایتی چشم‌نواز از آخرین روزهای عیسی بود و به یک موفقیت بزرگ تبدیل شد.

## دستپخت؛ متخصص کهنه کار اقتباس

نقد و بررسی سریال «ریپلی»، ساخته «استون زیلیان»

زهرا فرزیا



### بازی آقای ریپلی

کارگردان در شرایطی اندرو اسکات را برای ششمین پرت‌ره‌ی تلویزیونی سینمایی ریپلی انتخاب می‌کند که دیوانگی او در نقش‌های مشابه اثبات شده است. این انتخاب چندان سخت به نظر نمی‌رسد. گاهی این سؤال پیش می‌آید که آیا اندرو اسکات بهترین بازیگر مذکر عصر ماست؟ با این حال ریپلی با هملت و موربارتی و کشیش فلیگ فرق می‌کند و این تفاوت در کارگردانی مشخص است. تام ریپلی در هشت قسمت از دوش گرفتن در فاضلاب به نقطه‌ای می‌رسد که بیننده او را لایق زندگی در قصر مجلش می‌داند.

اندرو اسکات در مصاحبه‌ای می‌گوید که ریپلی را به گونه‌ای بازی کرده که احساس می‌کند تام ریپلی چگونه عمل می‌کند و دقیقاً همین‌طور اتفاق افتاده. تام برای قتل قدرت بدنی فرازمینی ندارد، به‌سختی شرایط را مدیریت می‌کند و سر به نیست کردن جسد برایش مسئله‌ای جدی است. تمام این مراحل را کارگردان به تصویر می‌کشد و اندرو اسکات بازی می‌کند. شما شاهد نفس نفس زدن تام ریپلی هستید زمانی که نمی‌تواند جنازه‌ی شخصی هم‌وزن خود را بلند کند. اعصابش خراب می‌شود که وسط قتل، آسانسور خراب است و در مانده می‌شود؛ جزئیاتی که معمولاً بخش کوچکی از فیلم‌های جنایی را به خود اختصاص می‌دهند.

بازیگر شاخص دیگر این سریال داکوتا فینینگ است که زایلین پس از تماشای نقش‌آفرینی او در سینمایی «روزی روزگاری هالیوود» او را بهترین گزینه برای بازی در نقش مارج شروود دانسته. مارج اضطراب، وقاحت و پررویی خاصی را به داستان افزوده که باعثش باید خوشحال باشیم، چون زایلین شخصیت او را بیشتر شکافته است.

### ریپلی برنده؟

در پایان باید به این موضوع اشاره کنیم که «ریپلی» در صورت شرکت در جشنواره‌های تلویزیونی، احتمالاً برنده‌ی بسیاری از عناوین باشد. تماشای «ریپلی» شاید برای همه مناسب نباشد اما اگر به‌سراغ این سریال می‌روید، برای تماشای هر قسمت چهل و پنج دقیقه‌ای آن وقت بگذارید و البته تماشای این سریال به کودکان توصیه نمی‌شود.

اغلب اقتباس‌های ریپلی، بر اساس جلد اول این مجموعه‌کتاب ساخته شده است؛ نظیر «ظهر بنفش» (۱۹۶۰) با بازی آلن دلون، «آقای ریپلی بالاستعداد» (۱۹۹۹) با بازی مت دیمن و جودلا و همین سریال «ریپلی» (۲۰۲۴).

سریال «ریپلی» در کلیت داستان و متن، کاملاً به کتاب اصلی وفادار بوده است. احتمالاً با تماشای سریال بتوانید دیالوگ‌ها و شخصیت‌های کتاب را در ذهن خود برگردانید و تصور کنید که در حال تصویرسازی کتاب هستید. شاید تنها تفاوت میان سریال و متن داستان شخصیت مارج شروود (با بازی داکوتا فینینگ) باشد که در نقش دوست‌دختر دیکی ظاهر می‌شود و در کتاب کمتر به کاراکتر او و اهمیتش اشاره شده اما در سریال عضو تأثیرگذار است. همچنین تأکید کارگردان سریال «ریپلی» بر نمایش زندگی اشرافی بیش از کتاب به نظر می‌رسد. سریال دقیقاً در نقطه‌ای که جلد یک تمام می‌شود، به پایان می‌رسد.

### جان تازه‌ی سریال

«ریپلی» کم اقتباس نداشت اما سریال «ریپلی» همچنان تازه است. استون زیلیان می‌داند که برای تفلیکس سریال ساخته، آن هم در عصر سریال‌های سری‌دوزی‌شده، اما دست از خلق نمی‌کشد. او این بازی را در حالی شروع می‌کند که داستان ریپلی برای بسیاری از مردم آشناست و ممکن است در ابتدا سراغ تماشای چنین اقتباسی نزنند.

اما همه چیز در سریال «ریپلی» جدید است. تجربه‌ی جذاب از دهه‌ی شصت میلادی اروپایی که سیاه و سفید نمایش داده شده و نقش آن در خاطرات شما می‌تواند آن قدر نقش جدی شود که انگار در آن زمان در ایتالیا زندگی کرده‌اید و خودتان از این سال‌ها خاطره دارید. کارگردان از این موضوع باخبر است و می‌خواهد کمی با نمایش زیبایی ایتالیایی و زرق و برق زندگی ثروتمندان اروپایی، حواس مخاطب را از ضعف‌های احتمالی پرت کند، به‌خصوص که گاهی تشخیص رنگ‌ها ممکن است حس بهتری به مخاطب بدهد و شاید جذابیت سیاه و سفید بودن سریال چند قسمت اول به پایان برسد. زایلین درباره‌ی این انتخاب گفته که روی جلد نسخه‌ای که از ریپلی دارد، عکسی سیاه و سفید نقش بسته. او مدت زیادی را صرف خواندن این کتاب می‌کند و تمام آن را در تصورات خود با همین تم کارگردانی کرده است. با این حال تماشای چنین تجربه‌ای در سریال‌سازی امروزی بکر و جدید خواهد بود.

«ریپلی» بسیار خوش‌ساخت و چشم‌نواز است. دیالوگ‌ها و صحنه‌های اضافی نیست، هر چند ممکن است ده دقیقه سکوت مطلق وهم‌آلود را تجربه کنید اما خسته نمی‌شوید. شما در تماشای «ریپلی» با جنایت رسماً به‌عنوان یک کار کامل از همه‌ی جوانب مواجه می‌شوید. به خودتان می‌آید و می‌بینید که کاملاً شریک جرم آقای ریپلی بالاستعداد شده‌اید.

## هفتاد سی به نفع فیلمسازان جوان

مصطفی قاسمیان



پروژه تازه‌ای از سازندگان «شمشیر و اندوه» است که سال گذشته در همین بخش حاضر بود. «پسر دلفینی ۲» نیز به عنوان نخستین پویانمایی بلند سینمایی ایرانی که قسمت دوم آن ساخته شده، تاریخ‌ساز می‌شود.

در فهرست فیلم‌های جشنواره، همچنین از آثار پرسروصدایی چون «پیرپسر»، «رکسانا»، «قاتل و وحشی»، «بی‌سروصد» و «غریزه» که گفته می‌شد در بخش مسابقه حاضر خواهند بود، خبری نشد. این آثار احتمالاً در بخش ویژه‌ای نمایش داده خواهند شد که به گفته منوچهر شاهسوری دبیر جشنواره، برای برخی آثار پشت خط مانده سال‌های اخیر ایجاد شده است. با وجود این فیلم‌های پرخاصیت و کنجکاوی‌برانگیز در بخش خارج از مسابقه و البته حضور تعداد زیادی فیلم در بخش اصلی، به نظر می‌رسد چهل و سومین دوره جشنواره فیلم فجر از ادوار پرسروصدا و پرشور این رویداد لقب گیرد.

داشت، در بخش فیلم‌های کوتاه فجر امسال دارد.

در میان حداقل ۴ فیلمی که به عنوان آثاری درباره شهدا و فرماندهان شاخص دفاع مقدس معرفی شده، ۲ فیلم «شک هور» و «سفند» درباره شهید علی هاشمی و قرارگاه سری نصرت دیده می‌شوند که احتمالاً با یکدیگر مقایسه خواهند شد. دیگر فیلم‌ها «صیاد» درباره شهید صیاد شیرازی و «خدای جنگ» با نگاهی به زندگی شهید حسن طهرانی مقدم هستند.

از میان سازندگان ۳۳ فیلم سودای سیم‌رغ ۴ فیلم پویانمایی، نیکی کریمی تنها تهیه‌کننده زنی است که با فیلم «زمانی در ابدیت» در

جشنواره حاضر خواهد بود. بهنوش صادقی نیز که تنها کارگردان زن جشنواره محسوب می‌شود، فیلم «مرد آرام» را با همکاری مهدی هاشمی در مقام تهیه‌کننده ساخته است.

بعداز تجربه موفق «موقعیت مهدی» در دوره چهل‌م که به سریال «عاشورا» تبدیل شد، «شک هور» و «موسی کلیم‌الله» دو فیلم جدیدی‌اند که در این دوره، نسخه سریالی هم دارند و بعدها با نسخه‌های بلندتر در تلویزیون نمایش داده خواهند شد.

در اتفاق قابل تأمل، محمدهادی نائیچی که تنها عضو مشترک دو شورای مهم پروانه ساخت و پروانه نمایش محسوب می‌شود، در چهل و سومین جشنواره فجر، فیلم دارد: «انتیک». اثری که گفته می‌شود جنجالی است و در مرحله پروانه نمایش چالش داشت.

مانند سال گذشته ۴ فیلم پویانمایی به فجر راه یافته که توسط هیئتی جداگانه، دآوری خواهند شد. از این میان «فلسانه سپهر»

مینی‌سریال «ریپلی» (Ripley) محصول سال ۲۰۲۴، اثر کارگردان سرشناس آمریکایی «استون زیلیان» است. این سریال که در ژانر نونوار روانشناختی ساخته شده است، در جایزه امی برنده جایزه کارگردانی برجسته شد و نظر مثبت بسیاری از منتقدان و بینندگان را به دست آورد. تحلیل و بررسی این اثر را بخوانید:

سریال «ریپلی» (Ripley) مینی‌سریالی هشت‌قسمتی است که بر اساس رمان «آقای ریپلی بالاستعداد» نوشته‌ی پاتریشا های‌اسمیت ساخته شده. این سریال به نویسندگی و کارگردانی استون زیلیان تولید و در ابتدای سال ۲۰۲۴ منتشر شده است. استون زیلیان کارگردان و نویسنده‌ی این سریال، فیلم‌نامه‌نویس برجسته‌ی آمریکایی است و در کارنامه‌اش یک عنوان اسکار برای فیلم‌نامه‌ی «فهرست شیندلر» به چشم می‌خورد. همچنین کارگردانی بسیاری از قسمت‌های سریال The Night Of ژانر جنایی و رازلود را بر عهده داشته و می‌توان گفت «ریپلی» دومین اثر تلویزیونی جنایی اوست. به‌جز «فهرست شیندلر»، «بیداری‌ها»، «هانیبال» و «مرد ایرلندی» از دیگر فیلم‌نامه‌های اقتباسی او به‌شمار می‌روند. پس در بخش کارگردانی و نویسندگی «ریپلی» با متخصص اقتباسی کهنه‌کار طرفیم.

### خلاصه‌ی ریپلی

فضای این سریال مربوط به دهه‌ی پنجاه و شصت میلادی در آمریکا و ایتالیا است. داستان در دهه‌ی پنجاه نیویورک آغاز می‌شود. جایی که تام ریپلی (اندرو اسکات)، با کلاهبرداری‌های خرد نظیر جعل چک پول بیست‌دلاری به‌سختی گذران زندگی می‌کند. زمانی که کسب و کارش با مشکل مواجه است، به‌صورت تقریباً اتفاقی از طرف خانواده‌ی گرین‌لیف مأمور می‌شود تا به ایتالیا سفر کند و دیکی گرین‌لیف (جانی فلین)، پسر یک مرد کشتی‌ساز ثروتمند را به خانه بازگرداند. با ورود به زندگی مرفه دیکی در ایتالیا، ریپلی به‌تدریج به او نزدیک شده و در نهایت تصمیم می‌گیرد هویت او را تصاحب کند. این تصمیم او را به مسیری پر از فریب، جنایت و پیچیدگی‌های روان‌شناختی می‌کشاند. در این داستان تصویر جالبی از تقابل زندگی فقیرانه و ثروت‌های بادآورده می‌بینیم که تماشایی قرن بیست و یکم به‌خوبی با آن ارتباط برقرار می‌کند!

### اقتباس چندم؟

های‌اسمیت، خالق تام ریپلی، بر اساس این کاراکتر چندین کتاب منتشر کرده است:

- آقای ریپلی بالاستعداد (The Talented Mr. Ripley)
- ریپلی زیر زمین (Ripley Under Ground)
- بازی ریپلی (Ripley's Game)
- پسر ریپلی (The Boy Who Followed Ripley)
- ریپلی در خطر (Ripley Under Water)

### اولین نگاه به فهرست فیلم‌های چهل و سومین جشنواره فیلم فجر

با انتشار فهرست فیلم‌های چهل و سومین دوره جشنواره فیلم فجر، مشخص شد این دوره از جشنواره، با نمایش ۳۳ فیلم در بخش اصلی، یکی از شلوغ‌ترین ادوار تاریخ جشنواره لقب می‌گیرد. غیر از دوره‌ی سی‌ونهم که هیئت انتخاب نداشت، آخرین بار ۱۴ سال پیش در دوره بیست و نهم بود که جشنواره فیلم فجر، میزبان ۳۳ فیلم در بخش اصلی شد.

به خلاف فراخوان جشنواره، بخش جداگانه «نگاه نو» برای فیلم‌های اول در این دوره جشنواره وجود ندارد و ۱۳ فیلم‌اول این دوره هم‌زمان با حضور در بخش اصلی، برای سیم‌رغ بهترین کارگردان اول رقابت خواهند کرد. جز این ۱۳ فیلم اول، شمار زیادی از فیلم‌های دیگر نیز توسط سینماگران جوان ساخته شده.

در مقابل، تنها ۳ کارگردان از نسل اول فیلمسازان پس از انقلاب، در این دوره جشنواره فیلم دارند: ابراهیم حاتم‌کیا با «موسی کلیم‌الله»، رسول صدرعاملی با «زیا صدایم کن» و ابوالفضل جلیلی با «داد».

به شکلی جالب توجه، در حالی که جشنواره فیلم فجر به طور معمول به فیلم‌های کم‌دی روی خوشی نشان نمی‌دهد، حداقل ۴ فیلم کم‌دی در فهرست فیلم‌های بخش مسابقه دیده می‌شود: «انتیک»، «شاه‌نقش»، «صدام» (صد دام) و «کفایت مذاکرات». فیلم آخر توسط سیدابراهیم عامریان تهیه شده که در سال‌های اخیر، با آثاری مانند «فسیل»، «هفتاد سی» و سه‌گانه «نگزاس» در اکران عمومی بسیار موفق بود. علاوه بر این آثار، «تاکسیدرمی» نیز با مایه‌های طنز در جشنواره حضور دارد. محمد پایدار که با فیلم «تاکسیدرمی» در بخش مسابقه اصلی دیده می‌شود، «راوی» را هم که در جشنواره اخیر فیلم کوتاه





## سهم حجاب در تحقق تمدن نوین اسلامی

سعید آقایی

حجاب در تمدن نوین اسلامی فراتر از یک مسئله پوشش ظاهری است و ارتباط عمیقی با مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی دارد و می‌تواند به عنوان یکی از عناصر فرهنگی مؤثر در تولید و توسعه معرفت و فرهنگ اسلامی باشد. همچنین در ترویج آموزه‌های اسلامی و تولید فرهنگی مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر (ص)، حجاب می‌تواند به عنوان ابزاری برای انتقال و تقویت این آموزه‌ها در نسل‌های جدید عمل کند. در این راستا، سهم حجاب از تمدن نوین اسلامی را می‌توان از جنبه‌های مختلف تحلیل و آنالیز کرد:

### ۱. باز تعریف نقش زنان در جامعه

در تمدن نوین اسلامی، حجاب به معنای تقویت و ارتقای نقش زنان در جامعه است. حجاب نه تنها به معنای پوشاندن بدن، بلکه نشانه‌ای از استقلال، عزت و کرامت زنان است. در این تمدن، حجاب به زنان امکان می‌دهد که به عنوان افراد مستقل با ویژگی‌های شخصیتی و فکری خود شناخته شوند و نه به عنوان ایزدهایی برای نمایش ظاهری. این امر باعث می‌شود زنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی... مشارکت کنند و جامعه را از ارتقا دهند.

### ۲. حفظ ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی

حجاب نقش مهمی در حفظ و تقویت ارزش‌های اخلاقی دارد. در تمدن نوین اسلامی، حجاب نمی‌تواند تنها یک پوشش فیزیکی نگریسته شود، بلکه به معنای حفظ عفت، احترام به خود و دیگران و جلوگیری از تجلی جسمانی گرایي در جامعه است. لذا، حجاب به تقویت اخلاق عمومی و ارتقاء فضایل اجتماعی کمک می‌کند.

### ۳. حفاظت از هویت اسلامی

تمدن نوین اسلامی به معنای حفاظت از هویت فرهنگی و دینی است. حجاب از ابزارهایی است که می‌تواند در برابر تهاجم‌های فرهنگی و فشارهای جهانی برای از بین بردن هویت‌های دینی و ملی ایستادگی کند. در دنیای معاصر، حجاب می‌تواند به مسلمانان کمک کند تا هویت دینی خود را حفظ و در مواجهه با چالش‌ها و تغییرات فرهنگی مقاومت کنند.

### ۴. تقویت ارتباطات معنوی و خانوادگی

حجاب در تمدن اسلامی نه تنها نقش مهمی در جامعه‌سازی دارد، بلکه به تقویت روابط خانوادگی و معنوی نیز کمک می‌کند. حجاب به زنان اجازه می‌دهد که بدون نگرانی از قضاوت‌های ظاهری، خود را در جامعه نشان دهند، لذا می‌تواند به ایجاد روابط پایدارتر و مبتنی بر احترام متقابل در خانواده‌ها کمک کند. در چنین تمدنی، خانواده به عنوان نهاد بنیادی و زیربنای جامعه، با رعایت اصول اخلاقی و دینی قوی‌تر خواهد بود.



شهروندان، چند برابر قیمت یک خودرو را پرداخت می‌کنند! چون این کار هم به صرفه نیست اغلب ترجیح می‌دهند از وسایل حمل و نقل عمومی، دوچرخه، و موتور برقی استفاده کنند. این وضعیت هر چند باعث محدودیت شهروندان می‌شود اما به توزیع بهتر جمعیت در چین کمک کرده است. تولید ثروت فقط در پکن انجام نمی‌شود. به علاوه به دلیل محدود بودن جمعیت، خدمت‌رسانی به مردم بهتر انجام می‌گیرد. آلودگی، ترافیک، محدودیت خدمات... بسیار کاهش یافته‌است. فکر می‌کنم آن محدودیت‌ها بر حقوق شهروندی، باعث تأمین حقوق اساسی‌تر شده است. از جمله: حق تنفس هوای پاک، حق بهره‌مندی از خدمات با کیفیت، حق زندگی آرام به دلیل نبودن ترافیک... .

بسیاری از امور جزو حقوق اساسی دولت هستند و به بهانه آزادی‌های شهروندی نباید از دولت سلب شوند.

اگر دولت از ترس اعتراض مردم، نسبت به اعمال حاکمیت و حقوق خود کوتاهی کند، به احتمال زیاد بخش دیگری از حقوق شهروندی ضایع می‌شود و ناراضی‌تری بیشتر رخ می‌دهد

### ۵. شناخت ناقص چینی‌ها از ایران

نکته‌ای که در جلسات با چینی‌ها خیلی مشخص است کمبود شناخت پژوهشگران چینی از ایران است. این افراد همگی متخصصان خاورمیانه هستند و در عین حال فهم درستی از مسایل ایران ندارند. اجازه بدهید مثالی بزنم. یکی از سخنرانان وقتی در مورد «خاورمیانه» صحبت می‌کرد عذرخواهی کرد که این واژه چندان مطلوب ایرانی‌ها نیست. این ملاحظه درست بود اما این فرد و سایر افراد به وفور از کلمه خلیج و کشورهای خلیج به جای خلیج فارس استفاده می‌کردند و متوجه نبودند که ایرانی‌ها به این کلمه چقدر حساس تر هستند.

یا زمانی که از عربستان سخن گفته می‌شد مدام تأکید می‌کردند که چین میان ایران و عربستان میانجی‌گری می‌کند و همکاری سه جانبه به نفع منطقه است. آنها رقابت میان عربستان و ایران را درک نمی‌کردند و تصورشان این بود که با میانجی‌گری چین رابطه ایران و عربستان بهبود می‌یابد. البته هیئت ایرانی بارها به شکل‌های مختلف تذکر دادند که منوط کردن رابطه ایران و چین به حضور عربستان درست نیست و رابطه با چین باید مستقل از رابطه عربستان شکل بگیرد. جالب اینجاست که همین چینی‌ها از رابطه ایران و هند انتقاد می‌کردند و می‌گفتند هند کشور حامی تروریسم و اسرائیل است و نباید ایران به سمت هند برود! البته مسئله اصلی این بود که هند و چین اختلافات عمیقی دارند چینی‌ها نمی‌توانستند بپذیرند شریک تجاری آنها با دشمن آنها هم همراه است.

همه موارد حاکی از کمبود فهم و شناخت چینی‌ها از ایرانی‌هاست. توجه داریم که این افراد آگاه‌ترین اشخاص در زمینه ایران هستند و سایر بخش‌ها به مراتب اطلاعات کمتری در مورد ایران دارند. (ادامه دارد)

## رهاورد سفر به چین

استفاده کنید. رسانه‌ها نیز محدود هستند. شرایط برای اقامت و جابجایی افراد سختگیرانه‌تر است که بعداً به آن اشاره می‌کنم. با این حال اعتراض جدی و فراوانی دیده نمی‌شود. در ۱۰ سال گذشته چین تهدید امنیتی داخلی (بمب گذاری، شورش و...) نداشته است.

با توجه به پرس‌وجویی که انجام دادم فکر می‌کنم یکی از دلایل اینکه محدودیت به اعتراض و ناراضی‌تری ختم نشده، برقراری مکانیسم جبران است. به این معنا که هر چیزی از مردم دریغ می‌شود، در مقابل خدماتی به آنها ارائه می‌شود که آن محدودیت‌ها را جبران می‌کند. مثلاً واتساپ و تلگرام در این کشور فیلتر هستند. اما وی‌چت نرم‌افزاری است که به مراتب قابلیت‌های بیشتری دارد و با آن می‌توان انتقال مالی، خرید روزانه، ارتباط با دوستان و... را با بهترین کیفیت انجام داد.

گوگل فیلتر است و موتور جستجوی بینگ نیز نسخه چینی آن در دسترس است. اما کیفیت اینترنت بسیار بالاست و ناراضی‌تری احتمالی از این محدودیت‌ها را جبران می‌کند. دسترسی به شبکه‌های تلویزیونی بین المللی محدود شده اما شبکه‌های تلویزیونی داخلی چین تمام نیازهای افراد از قبیل سرگرمی، آموزش، اخبار و غیره را برطرف می‌کنند و این شبکه‌ها کیفیت خیلی خوبی دارند. حتی من احساس کردم تلاش می‌کنند به نوعی خود را بی‌طرف نشان دهند تا مخاطب احساس نکند حقایق از او پنهان شده است. فراتر از همه، جو پلیسی و امنیتی و محدود شدن مشارکت عموم مردم در سیاست، با رفا و توسعه جبران شده است. شهروند چینی ممکن است نتواند انتخابات را مانند یک شهروند ایرانی تجربه کند، اما توسعه کشور، رفا اجتماعی، شکوه بناها و نمادهای فناوری به قدری چشم‌پرنکن هستند که انگیزه برای اعتراض را از بین می‌برد.

به نظر من اگر در ایران هم، هر محدودیتی با خدمات بهتر جبران شود، توازن به هم نمی‌خورد و اعتراض‌ها کاهش می‌یابد.

### ۶. این حق دولت است!

معمولاً حقوق شهروندان موضوع اصلی گفتگوهای دانشگاهی است. اما حقوق و اختیارات دولت مورد غفلت قرار می‌گیرد. دولت چین سیاست‌هایی را در پیش گرفته که شاید از نظر ما محدود کردن حقوق شهروندی باشد، اما اگر نیک‌بین‌تریم، این موارد جزو اختیارات دولت بوده و به علاوه تأمین‌کننده حقوق اساسی‌تر ملت است. اجازه بدهید چند مثال بزنم.

در ایران آزادی اقامت شهروندان در شهرهای دلخواه، حق داشتن خودرو و برخورداری بودن از حق رانندگی در هر شهری، جزو اولیات و بدیهیات حقوق شهروندی به شمار می‌رود که قابل مذاکره هم نیست! در چین این موارد کاملاً محدود شده‌اند. فقط کسانی که پدر و مادرشان اهل پکن هستند اجازه دارند در پکن اقامت داشته باشند (البته چند استثنا هم وجود دارد: مثل فارغ التحصیلان دانشگاه‌های خاص). هر فرد فقط حق اقامت در شهر محل تولد خود را دارد. البته منظور این نیست که افراد را دستگیر می‌کنند. نه! با مکانیزم‌های غیر قضایی تلاش می‌شود اعمال حاکمیت صورت گیرد. اگر فردی از شهرستان به پکن بیاید، در اجاره منزل به شدت دچار زحمت می‌شود، و به علاوه مدارس دولتی اجازه ندارند فرزندان وی را ثبت نام کنند و این فرد مجبور است هزینه تحصیل فرزندش را در مدارس خصوصی با قیمت‌های گزاف پرداخت کند. بنابراین مهاجرت داخلی به صرفه نیست و جذابیتی ندارد.

آزادی اقامت در شهرهای کشور و برخورداری از خدمات دولتی برای افراد غیر مقیم، جزء حقوق شهروندی نیست.

در مورد خودرو هم همینطور. افراد با پلاک شهرستان نمی‌توانند به پکن بیایند. به همین دلیل افراد برای خرید پلاک پکن از سایر

یک ماه پیش، از جانب پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با گروهی از نخبگان ایرانی که برای گفتگو با اساتید و محققان چینی عازم پکن بودند، همراه شدم. این سفر کوتاه ولی پربرکت، می‌تواند منشأ ارتباط‌های خوبی با نهادهای علمی چین شود. مرکز رشد و نوآوری علوم انسانی و اسلامی پژوهشگاه و اداره تعاملات علمی و بین‌المللی پژوهشگاه خوشبختانه انگیزه و برنامه جدی برای برقراری این ارتباط دارند.

در این یادداشت چند نکته از سفر به چین می‌نویسم که به نظر من می‌تواند برای نظام حکمرانی و سیاست‌پژوهان مفید باشد.

### ۱. تمثیل بادبان برای فهم حکمرانی در چین

در نظر اول توسعه یافتگی چین و نظم فوق‌العاده آن بسیار به چشم می‌آید. از یکی از متخصصانی که سال‌ها در چین حضور دارد پرسیدم این نظم در حکمرانی چگونه پدید آمده است؟ ایشان از تمثیلی استفاده کرد و گفت در چین یک ناخدا وجود دارد که دستور می‌دهد بادبان‌ها را بکشد. بقیه ارکان نظام حکمرانی بسیج می‌شوند تا راه حل‌ها برای کشیدن بادبان را پیدا کنند و آن را اجرایی کنند. در ایران وقتی ناخدای نظام حکمرانی دستور می‌دهد که بادبان‌ها را بکشید، همه ارکان نظام حکمرانی بسیج می‌شوند تا به شکل‌های مختلف این دستور را پژواک دهند! هیچکس در پی یافتن راه حل اجرایی نیست، بلکه به تکرار همان دستور به شیوه‌های مختلف بسنده می‌کند.

نکته دیگر اینکه در چین اعمال حاکمیت بسیار جدی گرفته می‌شود. اگر کارگزاری در اعمال حاکمیت و دستورات مرکزی کوتاهی کند بدون هیچ حاشیه امنی با او برخورد می‌شود، به گونه‌ای که برای دیگران درس عبرت شود. این نوع اعمال حاکمیت هر چند خشن و زمخت به نظر می‌رسد، اما توانسته با مدیریت دقیق، بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون نفر را در سال‌های اخیر از وضعیت فقر نجات دهد

### ۲. آشنایی با مدرسه مرکزی حزب کمونیست چین CCPS

مدرسه مرکزی حزب کمونیست چین یکی از مهم‌ترین اندیشکده‌های این کشور است. وظیفه این مدرسه تربیت کادر رهبران و کارگزاران کشور است.

در سومین جلسه هیئت ایرانی در این چند سال با مدیران این موسسه حضور پیدا کردم. سخنرانی‌ها طبق معمول دیپلماتیک، پر از تشریفات و تا حد زیادی کلیشه‌ای بود. مطالبی از قبیل اهمیت روابط متقابل، فرهنگ و تمدن بسیار عالی هر دو کشور، علاقه به افزایش روابط و... .

پس از جلسه از برخی از اعضای سفارت پرسیدم چرا به جای این تعارفات اقدام عملیاتی و اجرایی صورت نمی‌گیرد؟ پاسخ ایشان این بود که ارتباط با ابرقدرتی مثل چین نیازمند اراده، شناخت و تصمیم‌گیری است. ظرفیت‌های چین بسیار عظیم و فراتر از حد تصور است اما متأسفانه از سوی نهادهای ایرانی توانمندی کافی برای بهره‌برداری از این ظرفیت وجود ندارد. به عنوان مثال در جلسه طرف چینی اعلام کرد برای چندمین بار اعلام آمادگی می‌کنیم که با ایران فیلم سینمایی بسازیم تا فرهنگ و تمدن ایران و چین معرفی شود. سفارت، ظاهراً به سازمان‌های سینمایی موضوع را منتقل کرده اما سینمای ایران نتوانسته ز این ظرفیت بهره‌برداری کند. در حوزه اقتصاد، سیاست، فناوری و... هم ماجرا به همین ترتیب است.

یادآوری می‌شود که کشورهای دیگر مثل عربستان به شدت در این چند سال اخیر ارتباط‌های خود را با چین افزایش داده‌اند.

### ۳. مکانیسم جبران برای برقراری توازن میان محدودیت‌ها و خدمات

در چین محدودیت‌ها بسیار فراوان است. اینترنت حتی نسبت به ایران هم محدودتر است و شما نمی‌توانید حتی از گوگل

## زنان ایرانی در برابر فشارهای رضاخانی و سیاست‌های بیگانه هویت عقیفانه خود را حفظ کردند

زاهده سادات میرجعفری



عقب‌ماندگی دارد؛ بلکه با خوانش تمدنی باید می‌دانست که ایران چه تمدن عظیم و تاریخ‌ساز داشته است.

محبی تصریح کرد: زنان ایرانی بعد از ورود اسلام، آداب‌ورسوم خود را با دین اسلام تکمیل کردند و به همین جهت هسته فرهنگی و تمدنی ما قوی‌تر شده و به واسطه اسلام تکمیل‌تر شده است. پژوهشگر حوزه زن و خانواده نیز در این آنتورک به ایران تمایل داشت قانون منع حجاب را سریع در کشور پیاده‌سازی کند و در همین راستا کانون بانوان راه‌اندازی کرد تا فرهنگ‌سازی برای اجرا این قانون انجام شود.

خانه‌ماندند. عضو هیئت‌علمی گروه مطالعات زنان دانشگاه جامع انقلاب اسلامی ادامه داد: اسلام آزادی‌بخش و تعیین‌کننده رفتارهای حیا و عفت بار برای زنان است و حیا و عفت که از زنان ایرانی قبل از اسلام شاهد بودیم با ظهور اسلام تقویت شد.

وی ادامه داد: رضاخان با سیاست‌های کشف حجاب می‌خواست بگوید حجاب باعث عقب‌افتادگی است درحالی‌که امروز ما به جوانان می‌خواهیم بگوییم حجاب باعث پیشرفت و توسعه است و می‌تواند عامل ارتقا معنوی اخلاقی و سیاسی اجتماعی شود.

عضو هیئت‌علمی گروه مطالعات زنان دانشگاه جامع انقلاب اسلامی اذعان داشت: امروزه انقلاب اسلامی الگوهای موفق را نشان داده که زنان می‌توانند محجبه و موفق باشند که روایت و معرفی این الگوهای موفق ضروری است و رسانه‌ها باید الگوهای زن عقیف را برجسته کند.

### رضاخان به دلیل غرب‌زدگی در مورد فرهنگ و اصالت تمدن ایران غفلت کرد

دکتر فاطمه محبی، پژوهشگر حوزه زن و خانواده نیز در این برنامه با تأکید اینکه رضا پهلوی به دلیل عدم شناخت تمدن ایران و غرب‌زدگی در مورد فرهنگ و اصالت تمدن ایران غفلت کرد. وی گفت: رضاخان نباید فکر می‌کرد که ایران نسبت به غرب

دکتر زاهده سادات میرجعفری، عضو هیئت‌علمی گروه مطالعات زنان دانشگاه جامع انقلاب اسلامی با حضور در برنامه «گفتگوی فرهنگی» با موضوع بررسی پیامدهای سیاست کشف حجاب رضاشاه بر هویت اسلامی زنان بیان داشت: هویت مسئله‌ای همراه با ارزش‌ها و باورها و نمادهاست و رضاخان با سیاست‌های کنترلی که بیشتر جنبه سرکوب دولتی داشت می‌خواست نمادها را کنترل کند ولی نمی‌توانست باورها و ارزش‌ها را یک‌دفعه تغییر دهد؛ لذا سعی کرد با اقدامات گوناگون این ارزش‌ها را تغییر دهد. وی افزود: رضاخان سیاست‌هایی برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند را از سال ۱۳۱۳ شروع کرد و برنامه‌هایی از جمله تغییرات در لباس و ایجاد اتحاد و لباس یک‌شکل، تغییرات در لباس مردان، برگزاری کنگره زنان شرق و اهمیت به توسعه شرقی، قانون استفاده از کلاه پهلوی و راه‌اندازی شکل‌های زنان و روزنامه و... را اجرا کرد تا به قانون منع حجاب رسید

میرجعفری تصریح کرد: وقتی به‌صورت دائم القا شود که زن باحجاب و چادر یک زن عقب‌افتاده است و زن بی‌حجاب یک زن متمدد و امروزی است کم‌کم تأثیر خود را روی جامعه می‌گذارد؛ ولی خوشبختانه به دلیل ساختار قوی زنان ایرانی رضاخان در پیاده‌سازی سیاست‌های کشف حجاب موفق نشد و زنان مقاومت کردند و حتی برخی از زنان در اعتراض به این قانون سال‌ها در



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی  
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند  
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی  
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸  
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵  
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI  
@ASREGANOON  
@ASREGANOON



خداوند مرگ و زندگی را آفرید...  
تا امتحانان کند که...

کدام یک از شما بهتر رفتار می‌کنید!

## دستپخت: متخصص کهنه کار اقتباس

سرپال «ریپلی» (Ripley) مینی سرپالی هشت قسمتی است که بر اساس رمان «آقای ریپلی با استعداد» نوشته‌ی پاتریشا های اسمیت ساخته شده. این سرپال به نویسندگی و کارگردانی استیون زایلین تولید و در ابتدای سال ۲۰۲۴ منتشر شده است. استیون زایلین کارگردان و نویسنده‌ی این سرپال، فیلم‌نامه‌نویس برجسته‌ی آمریکایی است.

## هفتادسی به نفع فیلمسازان جوان

این دوره از جشنواره، با نمایش ۳۳ فیلم در بخش اصلی، یکی از شلوغ‌ترین ادوار تاریخ جشنواره لقب می‌گیرد. غیر از دوره سی و نهم که هیئت انتخاب نداشت، آخرین بار ۱۴ سال پیش در دوره بیست و نهم بود که جشنواره فیلم فجر، میزبان ۳۳ فیلم در بخش اصلی شد.

## کسی از حقوق توان‌یابان حمایت نمی‌کند

حامد قهرمانی



به دنیامالی گفتم، واقعاً چه ایرادی دارد که یک نفر از جامعه ورزش این قشر در هیئت مدیره صندوق قهرمانان حضور داشته باشد تا هر زمان که بخواهند از همه ورزشکاران حمایت کنند، این حمایت برای ورزش‌های خاص نیز اتفاق بیفتد. این خواسته زیادی نیست و امیدوارم انجام و تبدیل به آخرین درخواست برای این کار از وزیر ورزش شود.

رضایی درباره در اختیار قرار نرفتن اماکن ورزشی استان‌ها برای ورزش توان‌یابان به تسنیم گفت: «مکانات با خون دل خوردن و هزینه کردن خود بچه‌های معلول ساخته شده، اما از سوی مدیران کل ورزش استان‌ها در اختیار قرار نمی‌گیرد. ورزش جانبازان پولساز نیست و نهایتاً برای خودش درآمدزاست و نمی‌تواند این کار را برای سایرین انجام بدهد. دولت مجوز این کار را داده تا ورزش جانبازان و توان‌یابان پیشرفت کند، استانداران نیز موافق هستند، اما مدیران کل به بهانه‌های مختلف از این واگذاری اماکن خودداری می‌کنند که باید به این موضوع رسیدگی شود.»

حضور نیافتن نماینده ورزشکاران در مراجع تصمیم‌گیری ورزش موضوعی است که سال‌هاست مورد انتقاد است و نادیده گرفته می‌شود. یکی از این مراجع صندوق حمایت از قهرمانان و پیشکسوتان ورزش است که با وجود اینکه باید به طور مستقیم با ورزشکاران روبه‌رو باشد و دردها و مشکلات آنها را بررسی کند، اما به سبب حضور نیافتن نماینده‌ای از جمع ورزشکاران به خصوص ورزشکاران جانباز و توان‌یاب در هیئت‌مدیره آن نتوانسته است آنچنان که باید و شاید در امر رسیدگی به قهرمانان فعلی و قبلی ورزش موفق باشد. نکته جالب ماجرا این است که تمام درخواست‌ها برای عضویت یک چهره ورزشی در این هیئت مدیره هم تاکنون به جایی نرسیده است تا جایی که حالا هادی رضایی، مرد پرافتخار والیبال نشسته ایران و عضو هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک برای چندمین بار لب به انتقاد گشوده است. مجمع عمومی کمیته ملی پارالمپیک روز دوشنبه برگزار و فرصتی شد تا هادی رضایی بتواند این انتقاد خود را برای چندمین بار مطرح کند و البته امیدوار باشد که آخرین بار باشد.

رضایی می‌گوید: «یکی از انتقاداتم مربوط به شرایط صندوق حمایت از قهرمانان و پیشکسوتان ورزش می‌شود. ورزشکاران در این صندوق در هفت گروه تقسیم‌بندی می‌شوند و یکسری تسهیلات و حقوق به آنها تعلق می‌گیرد. اگر به وضعیت صندوق نگاهی بیندازید، مشاهده می‌کنید که بین افراد سالم و افراد قشر خاص یعنی توان‌یابان، نابینایان و بیماری‌های خاص، برابری وجود ندارد. دلیل این موضوع این است که در هیئت مدیره صندوق کسی نیست که از حقوق این قشر حمایت کند. این موضوع را در دوره حضور سه وزیر سابق ورزش و جوانان مطرح کردم و روز دوشنبه نیز

## اینتر به او اعتماد کند

قلعه‌نویی در گفت‌وگو با گاتزتا: سعی کردم طارمی را به استقلال ببرم اما او پرسپولیس را انتخاب کرد؛ اینتر به او اعتماد کند

امیر قلعه‌نویی در مصاحبه با گاتزتا دلو اسپورت از مهدی طارمی ستایش کرد و در مورد تعداد گل‌های او نیز پیش‌بینی جالبی داشت. او در این خصوص گفت:

از شکست اینتر در فینال سوپر جام متأسفم، اما یک گل در دربی در یادها باقی می‌ماند. از این لحظه به بعد برای مهدی داستان دیگری خواهد بود.

گل‌های طارمی ۲ رقمی می‌شود؟ البته. هنوز ده‌ها بازی تا پایان فصل باقی مانده است. او همچنین چندین پاس گل دیگر نیز خواهد داد. طارمی بازیکنی برای تیم است که باعث موفقیت هم‌تیمی‌هایش می‌شود

یکی از بهترین خصوصیات او اعطاف‌پذیری تاکتیکی است. وقتی با تورام بازی می‌کند، توپ را بین خطوط دریافت می‌کند، در حالی که با لائوتارو بیشتر به عقب برمی‌گردد. در تیم ملی هم همین‌طور است: او را در هر جایی که بگذارم خوب بازی می‌کند.

نیازی به توصیه من ندارد چون یکی از بهترین مربیان اروپاست. فقط می‌گویم که طارمی کسی است که برای ارائه بهترین عملکردش نیاز دارد حس کند در مرکز پروژه قرار دارد. به نوعی این احساس مهم بودن در تیم را داشته باشد. او یکی از ستاره‌های ماست. اینتر باید به او اعتماد کند

خاطره‌ای از طارمی؟ زمانی که من سرمربی استقلال بودم، حدود ده سال پیش، درباره یک جوان مهاجم بانگیزه و گلزن از شهری در جنوب ایران، بوشهر، صحبت می‌کردند. او مهدی بود. سعی کردم او را به تیم خود بیاورم، اما او پرسپولیس را انتخاب کرد.

## درخشش مربی ایرانی در فوتسال جهان



درخشش مربی ایرانی در فوتسال جهان؛ فاطمه شریف در جمع برترین‌ها

سایت فوتسال پلنت، فاطمه شریف، سرمربی تیم فوتسال بانوان سایپا و مربی اسبق تیم ملی فوتسال بانوان ایران را در فهرست ۱۰ مربی برتر باشگاهی جهان در سال ۲۰۲۴ قرار داد.

## دعوت تیم ملی فوتسال ایران به تورنمنت برزیل

اصولی رئیس کمیته فوتسال: تیم ملی فوتسال ایران در اسفند ماه در یک تورنمنت چهارجانبه در برزیل حضور دعوت شده است. در این تورنمنت تیم‌های برزیل، ایران، افغانستان و کلمبیا شرکت خواهند داشت.

## سنگ‌های بزرگ نامزدهای فوتبال برای نژدن

شیوانوروزی



هم آنها که در گذشته سکندار فدراسیون بوده‌اند، پرونده‌شان برای مردم و جامعه فوتبال روشن است و از آنها می‌خواهیم به خود زحمت شعار دادن راندهند. فوتبال ما یک شبه به ورطه سقوط نرسیده بلکه نتیجه بیش از چندین سال سوءمدیریت است که این رشته پرترفدار با گردش مالی نجومی را به اینجا رسانده و اوضاع آنقدر وخیم است که برگزاری بازی نمایان در ورزشگاه آزادی

یک پیروزی و دستاورد بزرگ محسوب می‌شود. کاش دردمان فقط فرسودگی ورزشگاه‌ها و چمن‌های نامطلوب بود. فوتبال ایران پر است از پرونده‌های سنگین فساد و تخلف و به هر گوشه‌اش که نگاه می‌کنیم، چیزی جز پسرفت و حضور مدیران نالایق و ناکارآمد نمی‌بینیم. وعده‌هایی که این آقایان

ترکاندن بمب دارد، شعار انتخاباتی‌اش گرفتن حق پخش است. اصلی‌ترین نامزد هم میز و صندلی‌اش را دو دستی چسبیده و افتتاح ورزشگاه آزادی، ورود VAR و آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده در خارج را جزئی از افتخارات مدیریتی‌اش می‌داند. یک نامزد با سابقه دیگر نیز هنوز وارد گود انتخاباتی نشده، از رقابش رقبای خود را خورده!

در این آشفته‌بازار که همه به هر قیمتی برای رسیدن به پست و مقام به هر ریسمانی چنگ می‌زنند، وعده‌ها و فراقکنی‌های نامزدها بیش از پیش روی اعصاب مردم است. فوتبالی که سال‌هاست در منجلاط تخلف، حاشیه و فساد گیر افتاده و عمق فاجعه‌اش هر سال بیشتر می‌شود، چطور می‌تواند روی قول‌ها و وعده‌های نامزدها حساب کند. فردی که عملکردش در باشگاه پرترفدار مشخص است و به راحتی می‌توان آمار مشکلات و حواشی ناشی از مدیریتش را درآورد، روی چه حسابی حرف از گرفتن حق پخش می‌زند؟ این وعده تو خالی سالیان سال است به عنوان حربه از سوی آقایان مطرح می‌شود، در حالی که خودشان هم می‌دانند گرفتن حق پخش از صداوسیما چالشی نیست که یک رئیس فدراسیون به تنهایی از پس حل‌کردنش بربیاید و این موفقیت را به عنوان چماق علیه رقبای منتقدانش استفاده کند. هم نامزدهایی که الان هم سرکار هستند و

ثبت‌نام مجمع انتخاباتی ریاست فدراسیون فوتبال در جریان است و همه آنها که سودای ریاست و گرفتن پست‌های مهم در این فدراسیون را دارند، هر طور شده خود را به خیابان سئول می‌رسانند و فرصت به این مهمی را از دست نمی‌دهند. باینکه همه مدعیان مدیریت فوتبال می‌دانند لابی‌های پشت پرده سرنوشت انتخابات را مشخص می‌کنند ولی همه آنها که تا امروز ثبت‌نام کرده‌اند، ژست مستقل بودن برداشته‌اند و وعده‌های عوام‌فریبانه می‌دهند!

هر چهار سال یکبار که زمان تغییرات در فدراسیون فوتبال می‌رسد، همین آش است و همین کاسه. افراد تکراری و امتحان‌پس‌داده، نه تنها برای ثبت‌نام از یکدیگر سبقت می‌گیرند بلکه در اولین مواجهه‌شان با خبرنگاران سعی می‌کنند وعده‌های توخالی بزرگ‌تری نسبت به رقبای مطرح کنند، در حالی که خودشان بهتر از همه می‌دانند واقعیت چیست و اصلاً نباید امید به تغییر رویه در روند مدیریت این رشته پرحاشیه داشت. این روزها باز هم بحث دست‌های پشت‌پرده و توافقات یواشکی مطرح است و برخی نامزدها برای موفقیت در انتخابات ۱۱ اسفندماه مهره‌های‌شان را جوری چیده‌اند که به هدف‌شان برسند. یکی از آنها که سابقه‌اش از بقیه بیشتر است، وعده تزریق تفکرات جدید به فدراسیون را داده، دیگری که عادت به

در این چند روز داده و خودشان را برای پیروزی در انتخابات نسبت به دیگری ارجح دانسته‌اند، این ضرب‌المثل قدیمی را برای‌مان تداعی می‌کند: «سنگ بزرگ علامت نژدن است.» بدون شک نمی‌توان از نامزدهایی که قبلاً در مسئولیت‌های مختلف رفوزه شده‌اند، انتظار داشت بعد از پیروزی در انتخابات، فوتبال کشورمان را متحول کنند.